

**هرگ برای بریالییم
و سگهای زنجیریش**

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران



سال سوم - شماره ۲۱ مهر ۶۷ - ۲۶ صفحه بهاء ۵۰۰ ریال



گزارشی از "نشست" اخیر تشکیلات

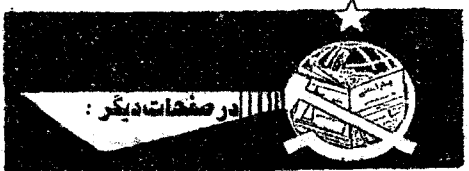
در اوائل مرداد ماه سازمان ما مبادرت به برگزاری يك "نشست" وسیع تشکیلاتی " نمود . اساسی ترین ضرورتی که تشکیل چنین نشستی را از مدت‌های پیش برای ما مطرح ساخته بود، برخورد به چگونگی گسترش پراتیک سازمان و بررسی و تعیین آن نقشه مبارزاتی بود که در راستای حرکت در جهت تحقق آن می بایست به حل ایسین مهم نامل آئیم . برخورد به علل جاری نشدن مبارزه ایدئولوژیک فعال در درون سازمان و چاره جوشی برای برطرف نمودن این مسئله ، بررسی مسائل مختلف تشکیلاتی و

در اوائل مرداد ماه سازمان ما مبادرت به برگزاری يك "نشست" وسیع تشکیلاتی " نمود . اساسی ترین ضرورتی که تشکیل چنین نشستی را از مدت‌های پیش برای ما مطرح ساخته بود، برخورد به چگونگی گسترش پراتیک سازمان و بررسی و تعیین آن نقشه مبارزاتی

آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی

با آغاز سال تحصیلی جدید و ورود میلیونها دانش آموز به مدارس جهت تحصیل و کسب علم و دانش ، ایادی رژیم جمهوری اسلامی از موسوی و اردبیلی گرفته تا مزدوران ریزو درشت دیگر بنمایش دغلكارانه جدیدی دست زدند، هر يك از آنها در مدرسه ای حضور یافته و زنگ مدرسه ای را بصدا آوردند، به سخنرانی های غرا در رابطه با اهمیت کسب علم و دانش پرداختند ، از لزوم مبارزه با بیسوادی دم زدند، از تحصیل رایگان سخن گفتند و بر دانش آموزانی که در سالهای پیش قربانی جنگ

اپورتونیزم و مسئله تمرکز در نیروهای سرکوب رژیم



اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران
در رابطه با تشدید اقدام زندانیان سیاسی
در صفحه ۲۱

- * گفته‌ها و نکته‌ها ۳۳
- * اخبار ۳۴
- * شهدای مهر ماه
- چریکهای فدائی خلق ایران ۳۵
- * روز شمار ۳۵

"آرامش و امنیت"
برای جمهوری اسلامی ،
"خودمختاری" برای حزب دمکرات
در صفحه ۳۶

گزیده‌هایی از راه‌یوهای چریکها :
رژیم جمهوری اسلامی همچون رژیم شاه، وابسته به امپریالیسم است
در مورد لجن پراکنی‌های اخیر خامنه‌ای بر علیه کمونیست‌ها
نگاهی به اظهارات مدیرعامل صدا و سیما
رژیم ضد خلقی
در صفحه ۳۵

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

رژیم جمهوری اسلامی بصورت امری عادی درآمده و مانع بزرگی در راه تحصیل دانش آموزان ما ایجاد نموده است. همچون سالهای پیش کتاب حتی برای مدارس ابتدائی به اندازه کافی وجود ندارد، بیش از هفتاد هزار نفر کمبود معلم به چشم میخورد! بدلیل کمبود کلاس، بعضی از مدارس بصورت "سه شیفته" کار میکنند و حتی کار به جایی رسیده است که در مواردی دانش آموزان مجبور شده اند در کلاسهای که در اتوبوسهای از کار افتاده شرکت واحد تشکیل میشود، به تحصیل بپردازند و این البته در حالی است که به گزارش کیهان ۲۲ شهریور ماه حداقل ۷۵۶ مدرسه برای استقرار سپاه پاسداران ضد خلقی اختصاص داده شده است.

فقدان فضای آموزشی و نتیجه اسفبار این واقعیت تا به آن حد برجستگی دارد که در سخنان بعضی از مسئولین آموزش و پرورش نیز منعکس گردیده و آنان با درماندگی کامل اعتراف میکنند که "کار اصلی و عمده ما در مورد توسعه فضاهای آموزشی تیغه کشیدن میان کلاسهای بزرگ، سالنها و راهروهای مدارس" (*) میباشد و یا اذعان میکنند که: "معلمان ما بخاطر تراکم جمعیت دانش آموزان در کلاسهای درس تنها نقش مبصر و آرام کننده دانش آموزان در کلاسها را به عهده دارند و امکان فعالیت آموزشی از آنها سلب" (**). شده است.

در چنین اوضاعی است که دانش آموزان ما

فاجعه بار ایران و عراق گردیده اند، اشک تمساح ریختند و بالاخره کوشیدند اینطور وانمود سازند که مدرسه و ایجاد شرایط تحصیلی لازم و مکفی برای دانش آموزان، مورد توجه کامل رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد.

مسلماً این حرکت مزدوران رژیم قبل از هر چیز بیانگرترس و وحشت آنان از دانش آموزان و فرهنگیان و خلاصه از آن قشر عظیم اجتماعی است که در راه کسب علم و دانش واقعی با موجودیت نظام گندیده سرمایه داری وابسته در تضاد قرار داشته و از آنجا که حافظین این نظام و از جمله رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی کسب علم و دانش را فقط در حد پاسخگویی به نیازهای اقتصادی - اجتماعی نظام موجود جائز شمرده و فراتر از آن را مضر و خطرناک بحال آن میدانند، دانشا به مبارزه بزعلیه آنان برمی خیزند. و لسی اکنون ببینیم فاصله ادعای آن مزدوران با واقعیت اوضاع آموزش و پرورش تا چه حد میباشد.

در يك كلام باید گفت تحت سلطه ننگین رژیم جمهوری اسلامی چنان وضعیت اسف انگیز و فزیت باری بر آموزش و پرورش و مدارس ما حاکم گردیده که نظیر آن تاکنون دیده نشده است. صرفنظر از اینکه بسیاری از فرزندان زحمتکشان بدلیل فقر و فلاکت بیحدی که خانواده آنان در سالهای اخیر با آن دست بگریبان بوده اند و از امکان تحصیل محروم گشته اند، آندسته از دانش آموزانی که به مدارس راه یافته اند نیز در اوضاع نامساعدی قرار دارند، فقدان فضای آموزشی، کمبود کتاب و معلم که اساساً ابتدائترین ضروریات امر تحصیل و شرط اولیه آن بشمار میرود تحت سلطه

* - اطلاعات ۲۱ شهریور ۶۷

** - همانجا

ورگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

بودجه تحصیل رایگان ۱۲۰۰۰۰ نفر در لبنان
میردازد!!

برای اینکه اوج دنات و پستی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در این زمینه هرچه بیشتر آشکار گردد، معلوم شود که حتی تبیغ کذایی برای باصطلاح مبارزه با بیسوادی در زمینه فوق مسئله اصلی رژیم نبوده بلکه مسئله بر سر پیشبرد سیاست امپریالیستی معینی در لبنان میباشد که اجرای آن بر دوش این سگ زنجیری امپریالیسم قرار گرفته، لازم است به آماری توجه کنیم که یکی از مسئولین آموزش و پرورش در رابطه با محرومیت عده کثیری از کودکان و نونهالان ایران از تحصیل بیان کرده است طبق گفته وی "هرساله حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر از نونهالان واجب التعلیم از ورود به مدرسه محروم میشوند و حدود ۱۷٪ نوجوانان ۶ الی ۱۴ ساله تحت پوشش آموزش همگانی قرار ندارند" (*) بدون شک این آمار نمیتواند گویای همه حقایق باشد ولی در همین حد نیز نشاندهنده وضع وخامت بار آموزش و پرورش در مابین ما بوده و خط بطلان به همه ادعاهای کاذب مزدوران رژیم میکشد. در زمینه ادعای تحصیل رایگان لازم نیست به شهریه های گزافی که بهنگام ورود دانش آموزان به مدرسه به بهانه های مختلف از آنها گرفته میشود تاکید نمائیم، پرورنده این رژیم در رابطه با اخاذی از دانش آموزان و چپاول اندک پس انداز آنان آنقدر سیاه است که دیگر شعار "تحصیل رایگان" توهمی در کسی بوجود نمی آورد. اگر در دوره جنگ ارتجاعی ایران و عراق تحت عنوان کمک به جبهه ها و با ابتکارهای ارتجاعی از قبیل ساختن قلکهای تانکی و نارنجکی شکل دانش آموزان را میچاپیدند امروز در دوره باصطلاح بازسازی در حالیکه آشکارا و رسماً از اولویت بازسازی مراکز نظامی و سرکوب سخن میگویند و این البته برای رژیمی که موجودیتش با جنایت و سرکوب درآمیخته است امری طبیعی

به حق فریاد میکشند: "ما چگونه میتوانیم در نبود معلم و کتاب و فضای آموزش درس بخوانیم" و در همین شرایط است که دغلكاران جمهوری اسلامی از اهمیتی که گویا تحصیل علم و دانش در نزد آنان بر سر قرار میباشد داد سخن میدهند و اندر ضرورت مبارزه با بیسوادی تبلیغات کذایی به راه میاندازند.

حال اگر محتوای کتابهای درسی را که دست اندرکاران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با کوشش آگاهانه از گنجاندن مطالب واقعا علمی در آنها امساک به عمل میآورند در نظر بگیریم و متوجه این واقعیت باشیم که رژیم برای جلوگیری از رشد آگاهی دانش آموزان از چه ترفندهای ارتجاعی از جمله گماشتن مسئولین اورتربیتی بعنوان جاسوسان جیره خوار خود در مدارس استفاده مینماید و تحت شرایط اختناق حاکم هرگونه کوشش معلمین آگاه و دلسوز جامعه برای آموختن علم و دانش فراتر از چارچوب تعیین شده به دانش آموزان با تنبیه و توبیخ و سرکوب رژیم مواجه میگردد میتوانیم به عمق ادعاهای کاذب مزدوران رژیم در این زمینه هرچه بیشتر پی ببریم. با اینحال این رژیم همچنان لاف مبارزه با بیسوادی میزند و تحت این عنوان بیشرمانه میلیونها دلار از امکانات کشور را در جهت پیشبرد سیاستهای امپریالیستی در لبنان صرف باصطلاح آموزش مسلمانان و مسیحیان این کشور مینماید و رادیوی رژیم بتاريخ ۲۸ شهریور ماه اعلام میکند که: "شورای مرکزی کمیته امداد خمینی در لبنان تشکیل گردیده و ۱۲۰۰۰۰ کودک مسلمان و مسیحی تحت پوشش تحصیل رایگان این کمیته قرار گرفته اند" برآستی که چه رژیم دانش پروری!! گویا صرف بخش زیادی از بودجه آموزش و پرورش برای جنگ امپریالیستی ایران و عراق کافی نبود، که اکنون در حالیکه عده زیادی از دانش آموزان ما از امکان تحصیل محرومند و در شرایطی که خرج بسیاری از هزینه های تحصیل که اصولاً برعهده رژیم قرار دارد از دانش آموزان اخاذی میشود، این رژیم دانش پرور به تامین



میباشد تحت عنوان ضرورت شرکت مردم در امر بازسازی بهانه جدیدی برای اخاذی از دانش آموزان یافته اند و باوقاحت تمام هزینه ترمیم و بازسازی مدارس ویران شده ناشی از جنگ را به دوش دانش آموزان سرشکن میکنند. تحصیل رایگان در حرف و شعار و اخاذی و چپاول دانش آموزان در عمل این است ورقی از پرونده سراسر دروغ و خیانت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی.

برای اینکه به گوشه ای از "افتخارات" این رژیم نیز اشاره ای شده باشد باید با یادآوری فجایعی که این رژیم در طی ۸ سال جنگ جنایتکارانه و امپریالیستی ایران و عراق، در حق دانش آموزان ما مرتکب شده است بگوئیم که مسلمان برای رژیمی که در طی این سالها جز قربانی نمودن دانش آموزان در راه مطامع سرمایه داران وابسته و اربابان امپریالیستش کاری نکرده است بالطبع "افتخاراتش" در زمینه آموزش و پرورش نیز جز این نمیتوانست باشد که در روزنامه جمهوری اسلامی بتاريخ دوم مهرماه با بیشرمی مینویسد: "ما مدارس در این سرزمین داریم که رقم شهدای آنها آدمی را به حیرت مراندازد یعنی ما مدارس داریم که مدیر، مربی و دانش آموزانش با هم به جبهه رفته اند و شهد شهادت را با هم نوشیده اند."

بواقع نیز برای رژیم رسوائی چون رژیم جمهوری اسلامی "افتخاری" از این بزرگتر نمیتوانست وجود داشته باشد!! "افتخاری" که از زبان مسئولین آموزش و پرورشش گفته شود: "هیچ وزارتخانه ای اندازه آموزش و پرورش به تامین نیازهای جبهه های جنگ کمک ننموده است" و معاونت امور جنگ این وزارتخانه در روزنامه جمهوری اسلامی پنجم مهرماه اعتراف مینماید: "دانش آموزان ۹۰٪ خط شکنان جبهه ها را تشکیل میدادند و ۶۰٪ از تیروهای جمهوری اسلامی در جبهه های جنگ را فرهنگیان و دانش آموزان تشکیل میدهند" براستی چه "افتخار" بزرگی!! که رژیم ددمنش با تهدید و ارعاب و توسل به ضدخلقی ترین روشها

دسته دسته از دانش آموزان میهن ما را به میدانهای بی بازگشت جنگ امپریالیستی گسیل داشته است و سپس بیشرمانه از "خط شکنی" بودن آنها سخن میگوید. اگر ترجمان عملی "خط شکنی" در واقعیت خونین جبهه های جنگ و سیاست ننگین جمهوری اسلامی مبنی بر استفاده از امواج انسانی در این جنگ در نظر گرفته شود عمق و وسعت "افتخارات" رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی هرچه عیان تر میگردد و متوجه میشویم که سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی با فرستادن دانش آموزان به روی میدانهای مین و اعلام وقاحت بار این امر که ۹۰٪ خط شکنان جبهه را دانش آموزان تشکیل میداده اند از چه مباهاتی سخن میگویند!! و چرا دژخیمان جمهوری اسلامی در مسلخ قربانیان خود از ابعاد "افتخاراتی" که آفریده اند به "حیرت" مرفتند و اعلام میکنند "ما مدارس در این سرزمین داریم که رقم شهدای آنها آدمی را به حیرت مراندازد یعنی ما مدارس داریم که مدیر، مربی و دانش آموزانش با هم به جبهه رفته اند و شهد شهادت را با هم نوشیده اند."

دانش آموزان مبارز!

شما سال تحصیلی جدید را در شرایطی آغاز میکنید که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی پس از پذیرش آتش بس و بقول خودش سرکشیدن "جام زهر" یورش ددمنشانه ای را به انقلاب ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقها، سازمان داده و دسته دسته زندانیان سیاسی را تیرباران مینماید.

شما در شرایطی سال تحصیلی را آغاز میکنید که بسیاری از همکلاسیهای خود در سال گذشته را دیگر هرگز نخواهید دید چرا که آنها یا در میدانهای تیر رژیم به شهادت رسیده اند و یا در مسلخهای جنگ قربانی اهداف امپریالیستها گشته اند این اوضاع بدون شك نمیتواند باعث غم و اندوه شما نگردد ولی شما وظیفه دارید آرام خویش را به کینه ای عمیق نسبت به دشمنان مردم ایران یعنی امپریالیستها و سگان زنجیریشان

گزارشی از "نشست" اخیر تشکیلات

از صفحه ۱

جمع‌بندی تجربیات کسب شده در این زمینه، حک و اصلاح اساسنامه مصوب سال ۶۲ و انتخاب ارگانهای رهبری نیز از مسائلی بودند که در این نشست مریایست مورد توجه قرار گیرند.

اهمیت تعیین کننده گسترش پراتیک سازمان برای مادرشرایطی که در واقعیت عملیات نظامی سازمان در چند سال اخیر عمدتاً به عملیاتی که برعلیه رژیم وابسته باامپریالیسم جمهوری اسلامی در کردستان انجام میشد محدود گردیده بود و این امر خود با توجه به تحولاتی که در این منطقه رخ داده و شرایطی که مادر آن قرار داریم، در روند خود با محدودیت های هر چه بیشتری مواجه گردیده است؛ آن مسئله اصلی بود که مریایست در نشست مذکور به آن پرداخته شود، در نتیجه تعیین آن "نقشه مبارزاتی" که می بایست با توجه به کمیت و کیفیت سازمان در شرایط کنونی پاسخگوی حل وظایفی که در مقابل سازمان قرار دارد باشد اصلی ترین مسئله "نشست" را تشکیل میداد.

به این اعتبار قبل از بررسی مسائلی که در نشست مزبور مورد توجه قرار گرفت لازم میدانیم به تشریح هرچند کلیسی روندی که در سالهای اخیر طی کرده ایم بپردازیم تا با مشخص

شدن شرایطی که سازمان ما در آن قرار گرفته است بهتر بتوان وظایف و مسائلی که در مقابل سازمان قرار گرفته است را درک نمود.

واقعیت این است که تئوری مبارزه مسلحانه بعنوان تنها شکل انطباق خلاق مارکسیسم-لنینیسم در شرایط حاکمیت امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن در ایران بعنوان تئوری اعتقادی سازمان همچون هر تئوری پرولتری و انقلابی دائماً باید با پراتیک مبارزاتی پیوند برقرار کرده و در جریان پراتیک سیقل یابد؟ بسط و غنای هر چه بیشتر این تئوری منوط به آن کوششهای عملی است که در بطن شرایط اجتماعی ایران، برای پیاده کردن رهنمودهای مبارزاتی آن بکار می رود، چرا که تنهادر روند بکار بست این تئوری در عمل است که دورنماهای هر چه روشنتری در جهت پیشبرد مبارزه توده هادر مقابل انقلابیون ترسیم شده و با جمع‌بندی تجارب حاصل از اعمال پیشین و تداوم پراتیک، شرایط بسط و غنای هر چه بیشتر تئوری مبارزه مسلحانه بوجود می آید.

از بدو تدوین تئوری مبارزه مسلحانه چه پراتیک خود چریکهای فدائی خلق بعنوان حاملین و مدافعین این تئوری و چه پراتیک اجتماعی در کل جامعه مهتر تأیید بر

محت این تئوری زده و رهنمودهای عملی آن حتی اگر ناآگاهانه و بطور خودبخودی و ناقص از طرف نیروهای سیاسی مختلف بکار گرفته شده، در عمل باعث پیشرفت مبارزه توده ها و تعمیق هر چه بیشتر آن گشته است.

برای نمونه دهسال تداوم خونین جنبش خلق کردپس از شکست قیام بهمن باردیگروبروشنی ثابت نمود که تنهارهه رهاش از سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری امپریالیستی ذاتی آن همانا جنگ توده ای طولانی است و حفظ دستاوردهای قیام نیز بدون توسل به مبارزه مسلحانه بمتابسه شکل اصلی مبارزه در ایران امکان پذیر نمیرشد.

تداوم دهسال جریان مبارزه مسلحانه در کردستان نشان داد که این مبارزه از چه اعتبار و اهمیت بزرگی در سطح جنبش انقلابی خلقهای مابرخوردار بوده و چه تاثیر شگرف و انقلابی بر جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران بجا گذاشته است. با در نظر گرفتن همه فراز و نشیب های جنبش خلق کرد و ضعف رهبری آن و فقدان یک رهبری پرولتری در این جنبش بدون شك جریان مبارزه مسلحانه در کردستان حاوی تجارب بسیار پرارزش مبارزاتی بوده و منبع گرانبقدر آموزش انقلابی جهت پیشبرد و تحقق استراتژی انقلاب ایران میباشد. و دریک کلام باید گفت ده سال مبارزه مسلحانه در





کردستان این سنگر انقلاب ایران اهمیت بس تاریخی بزرگی در انقلاب ما داشته و تأییدی است بر تئوری پرولتری انقلاب ایران .

ولی اگر بکار بست برخی از عمده ترین آموزشهای تئوری مبارزه مسلحانه هر چند بطور خودبخودی در کردستان چنان ثمرات درخشانی در بر داشته است مسلماً کاربرد آگاهانه رهنمود های این تئوری و پیاده کردن همه جانبه آن در جامعه نتایج بمراتب پر بار تر و درخشانی تر ببار آورده و متضمن پیروزی محتوم خلقهای ما و طبقه کارگر قهرمانان خواهد بود .

براین اساس سازمان ما همواره با اعتقاد عمیق به این واقعیت کوشیده است که ضمن گسترش پراتیک خود شرایط را برای غنای هر چه بیشتر تئوری پرولتاریا در انقلاب یعنی تئوری مبارزه مسلحانه آماده نماید .

اما بدون شك در پروسه طولانی حرکت سازمان فراز و نشیبهای مختلفی وجود داشته است و گاه بر اثر ضربات دشمن و یا اشتباهات خود سازمان، تشکیلات در موقعیتی قرار می گرفتند که توانایی لازم برای گسترش پراتیک خود در حدی که ملزومات مبارزه طبقاتی می طلبیده را دارا نبوده است برای نمونه چنین اوضاعی را می توان با وضوح تمام در سال ۶۰ مشاهده نمود .

پس از یورش وحشیانه دشمن

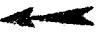
به توده ها و نیروهای سیاسی و انقلابی در سال ۶۰ که با انشعاب تحمیلی همان سال به سازمان همزمان گردید ، سازمان ما در موقعیت بس حساسی قرار گرفت در نتیجه لازم بود که با صبر و شکیبایی تمام نیروهای را که برای سازمان باقی مانده و ارتباطشان قطع نگردیده بود را گرد آوری کرده و با سازماندهی مجدد آنها در جهت برنامه عمل سازمان که بطور کلی به شرکت در جنبش خلق کرد ، ایجاد هسته های سیاسی نظامی در شهرها و سازماندهی دسته های متحرک پارتیزانی و شرکت در مبارزات توده ها در هر شکلی و سطحی که باشد و ارتقاء این مبارزات خلاصه می شد ، اقدام می نمودیم .

با توجه به ضرورت شرکت در جنبش خلق کرد و از آنجا که در جریان انشعاب تحمیلی سال ۶۰ شاخه کردستان سازمان کاملاً از دست رفته بود و از سوی دیگر با توجه به ضربات سنگین دشمن و عدم امکانات لازم برای استقرار یکسری از رفق در شهرها ضمن آنکه رفقایی را برای حرکت در شهر سازمان دادیم بخش مهمی از نیروهای باقیمانده را به کردستان منتقل نموده و با تمرکز در کردستان ضمن بازسازی شاخه کردستان سازمان و شرکت در جنبش خلق کرد با آموزش رفقای موجود و اعزام مجدد و تدریجی رفقایی از کردستان به دیگر مناطق ایران جهت تحقق برنامه های

سازمان گام برداشتیم . بدون شك اگر ما اسیر وسوسه های به ظاهر "چپ" میشدیم و یا در مقابل مشکلات و سختیهای که در آن موقعیت حساس سازمانمان را احاطه نموده بود سپر می انداختیم به جرات می توان ادعا نمود که دیگر از وجود چریکهای فدائی خلق ایران نمی شد سخن گفت . اما سازمان با درک شرایطی که به آن تحمیل گشته بود که بدون شك اشتباهات و بی تجربگیهای خودمان در آن نقش خاص خود را داشت به وظیفه تاریخی ای که در مقابلش قرار داشت پاسخ داده و خود را برای تعرضات بعدی آماده نمود .

در کردستان پس از گذراندن فراز و نشیب های خاص دوران پس از انشعاب و حل نابسامانیهای اولیه موفق به ایجاد انسجام نسبی در درون تشکیلات شده و با نیروی کوچکی که داشتیم فعالانه در مبارزه مسلحانه خلق کرد شرکت کرده و توانستیم عملیات نظامی نسبتاً زیادی را بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و پایگاههای سرکوبگرش در کردستان سازمان داده و به پیش ببریم . ضرباتی که گرچه محدود و کوچک بود اما برای سازمان کوچکی مانند سازمان ما از نقش و اهمیت بس مهمی برخوردار بود و به این وسیله سازمان توانست با شرکت در جنبش خلق کرد، این کانون انقلاب ایران، در حد توانش نقش انقلابی در این جنبش ایفاء نموده و در





همان حال اعتقاد عمیقش به مبارزه مسلحانه بمثابه شکل اصلی مبارزه در انقلاب ایران را مورد تاکید قرار دهد .

واز طرف دیگر با جذب و آموزش رفقای انقلابی در کردستان ضمن پیشبرد وظایف سازمان در کردستان در زمانها و دوره های متفاوت به اعزام رفقای چندی به نقاط مختلف ایران برای وصل ارتباطات قطع شده و سازماندهی هسته های سیاسی نظامی مبادرت نماید. در میان این رفقا برخیز موفق به سازماندهی حداقل ارتباطات لازم و انجام عملیات مسلحانه گردیدند ؟ رفقای توسط مزدوران جمهوری اسلامی دستگیر و به زیر وحشیانه ترین شکنجه ها برده شدند ، رفقای با مقاومت قهرمانانه در مقابل شکنجه های دذمنشانه دژخیمان رژیم بر عهد خود با کارگران و زحمتکشان پای کوبیدند و دلاورانه در میدانهای اعدام فریاد "زنده باد کمونیسم" سردادند و کسانی نیز سستی ایمان وضعف روحیه خویش را به نمایش گذاشتند .

تلاشهای خستگی ناپذیر رفقا برای گسترش پساتیک سازمان گرچه با ضربات دشمن و دادن قربانیهای بس ارزشمند به نتایج وسیعی که مورد نظر سازمان بود نینجامید ولی بدون شك در تاریخ مبارزات دلاورانه چریکهای فدائی خلق هرگز فراموش نخواهد شد . در کردستان با علم به اینکه

مبارزه در سطحی توده ای جریان دارد و نیروهای که الزاما کمونیست نیستند را میتوان برای پیشبرد مبارزه مسلحانه بسیج نمود و از سوی دیگر از آنجا که با توجه به بحران در جنبش کمونیستی ایران شاهد آن بودیم که انقلابیونی بسا دیدگاهها و نظرات مغایر با نظرات سازمان به سوی آن روی میآوردند، مبادرت به ایجاد بخش دمکراتیک نمودیم که من حیث المجموع تجربه مثبتی بود و سازمان توانست بسا سازماندهی انرژی انقلابی این رفقا که در وحدت سیاسی ایدئولوژیک با سازمان نبودند وظایف انقلابی خود را پیش ببرد تجربه ای که در جای خود باید مورد بررسی دقیقتر قرار گیرد .

در این فاصله در راستای گسترش تبلیغات سازمان و رساندن صدای چریکها بسا توده ها و هواداران سازمان ایستگاه رادیویی را در کردستان عراق مستقر نمودیم که با توجه به همه محدودیت هایی که داشتیم ، توانستیم ادامه کاری آنرا تضمین نموده و ضمن تقویت دستگاه رادیو با همکاری رفقای اروپا و امریکا، تحلیلها و مواضع سازمان را بگوش شنوندگان آن برسانیم در عین حال در جهت تبلیغ نظرات سازمان و دفاع از تئوری مبارزه مسلحانه و وحدت بخشیدن به نظرات درون سازمان "پیام فدائی" ارگان تشکیلات منتشر گردید که در نتیجه تاحدی به ضعفهای پیشین

در زمینه تبلیغ و ترویج نظرات سازمان فائق آمدیم . فعالیتهای تبلیغی و ترویجی و تلاش برای ایجاد کانالهای ارتباطی از کردستان عراق به ایران از دیگر تلاشهای مبارزاتی ایران بوده است که خود به قیمت خون بهترین همزمان ما و در نتیجه تلاشهای بیدریغ و تحمل مشکلات بسیار انجام گردیده است و باید ارزش و اهمیت آنها را بعنوان قدمهایی در جهت تحقق اهداف و برنامه های سازمان مورد تاکید قرار داد .

بدون شك فعالیتهای این دوره سازمان را بدون توجه به شدت یابسی بحران در جنبش کمونیستی نمیتوان بدرستی ارزیابی نمود واقعیت اینست که بسا رشد بحران در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که بزرگترین و اصلی ترین نیروی جنبش کمونیستی ایران را تشکیل میداد ، بحران در جنبش کمونیستی ایران هر روز شدت بیشتری یافت . تشتت و پراکندگی و انشعاب در این دوران خود بروشنی جلوه ای از رشد این بحران و انعکاسی است از عدم توانایی کمونیستها در پاسخگویی به الزاماتی که جامعه از آنها می طلبید .

نفوذ اپورتونیزم و رویزیونیزم در درون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بحران ناشی از آن، شکست قیام بهمن و یورش لجام گسیخته ارتجاع به



جنبش انقلابی و در عین حال تاثیرات منفی سازشکاریها و ندانم کاریهای سازمانهای خرده بورژوازی که بالطبع بنابه ماهیت خویش نمیتوانستند همین دورنمای انقلابی در مقابل جنبش خلق باشند مجموعه وضعیتی را باعث گشتت گنه جنبش دمکراتیک و ضدامپریالیستی خلقهای ما که میبایست در جهت نابودی امپریالیزم و سگان زنجیریش و برقراری جامعه ای نوین گامهای هرچه بلندتری بسوی پیروزی بردارد از شکوفاشی خود بازمانده، وتشتت و پراکندگی بر آن حاکم گردد. چنین وضعی خود زمینه رشد روحیه یاس و ناامیسی و تسلیم طلبی در بین روشنفکران گشته و جو بی اعتمادی و رواج پاسیفیسم را هرچه بیشتر دامن زده است. در هر حال باتکیه بر این اصل که پدیده ها را باید در رابطه با شرایطی که در آن قرار داشته اند و در پیوند با آن مورد بررسی قرار داد و با اذعان به اینکه تشتت و پراکندگی در جنبش انقلابی و گسترش بحران در جنبش کمونیستی نمیتوانست تاثیرات مخرب خود را در رشد سازمان ما بمثابه جزئی از جنبش کمونیستی ایسران باقی نگذارد؟ باید بگوئیم در شرایطی که پیشروی جنبش نیازمند پاسخگویی بوظایف هرچه بزرگتر و سنگین تری بوده و بنسبیه گواه واقعیات بسیار، راه برون رفت از بحران موجود در جنبش کمونیستی

تنها باراه گشایی عملی توسط کمونیستها امکانپذیر می باشد، شکل کوچک ما که خود زائیده ایسن بحران بوده و از دل آن بیرون آمده است بدلیل محدودیت ها، کمبود ها و نواقص خود از توان لازم برای پاسخگویی به این مهم برخوردار نبوده و در هر صورت این واقعیتی است که روند حرکت سازمان ما با تمام فرازونشیبهای خود به قدرت گیری آن در بطن شرایط اجتماعی ایران و گسترش پراتیک مسلحانه در سراسر جامعه منجر نشده و تلاشهای ما در ایجاد تشکلهای رزمنده ای که با انجام عملیات مسلحانه بعنوان رکن اصلی فعالیت های انقلابی، پیشبرد مبارزه مسلحانه را بعنوان شیوه اصلی مبارزه در ایران به پیش ببرند، ثمربخش نبوده است.

مسئله در وجود آمدن چنین وضعیتی صرف نظر از عوامل دیگر باید به اشتباهات خودمان که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد تأکید نمائیم بویژه که در چند سال اخیر با شرایطی که بدلیل تعرضات جمهوری اسلامی به کردستان و عقب نشینی های جنبش خلق کرد و وقوع درگیریهای حقیر درونی در این جنبش و همچنین گسترش جنگ ایران و عراق به نوار مرزی کردستان بوجود آمد و محدودیتهای باز هم بیشتری در مقابل رشد سازمان ایجاد گردید، ما نتوانستیم با برخورد جدی و فعال برنامه هایی را که با توجه به این روندها در نظر گرفته بودیم بطور کامل دنبال

نمائیم .
با اعتقاد به واقعیت فوق و از آنجا که کوششهای مادر جهت گسترش پراتیک سازمان در سراسر جامعه با موفقیت همراه نبوده و عملیات مسلحانه سازمان به کردستان محدود گشته بود ضرورت بررسی راههای مختلف حل این معضل در مقابل ما قرار داشت، امری که مدت ها و به اشکال گوناگون در سازمان ما تحت عنوان برخورد به "نقشه مبارزاتی" تشکیلات مورد توجه قرار گرفته بود و برخورد انقلابی حکم میکرد که مسائل فوق را با جدیت هرچه بیشتری مورد بررسی قرار داده و با توجه به مجموعه راه حلهایی که از سوی رفقا در این زمینه طرح میشد با ردیگر راه حلی که بیانگر اراده اکثریت سازمان باشد را مشخص و راهنمای حرکت خود قرار دهیم .

در نشست تشکیلاتی فوق الذکر واقعیتهای فوق تحت عنوان برخورد به "نقشه مبارزاتی" سازمان و در همین رابطه برخورد به گذشته مورد بحث قرار گرفت و نتیجه کلی و اساسی این مباحثات تاکید بر این نکته بود که از آنجا که لازمه پیشبرد امر انقلاب رشد و گسترش تشکیلات رزمنده و ادامه کار در بطن شرایط جامعه میباشد باید تماسی کوشش های خود را در جهت قرار دادن سازمان در بطن شرایط اجتماعی خود متمرکز نمائیم؛ بر این اساس راههای

برون رفت از موقعیت فعلی مورد بررسی قرار گرفت و اقدامات و فعالیت‌های تشکیلات در راستای مورد نظر با توجه به امکانات و قدرت سازمان مشخص گردید. در رابطه با امر فوق بر نقد و رد حرکتی پیشین سازمان جهت درسگیری هرچه مشخصتر از تجارب فعالیت‌های انجام شده تاکید شد.

با توجه به آنچه گفته شد و تحولات اخیر بر امر تداوم برنامه های "صدای چریکها" تا آنجا که امکانات عینی اش مهیا باشد تاکید گردید و کوشش برای ادامه کاری "پیام فدائی" ارگان سازمان مورد توجه قرار گرفت و به این اعتبار انجام فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی بعنوان وظیفه همیشگی کمونیستها در نشست تشکیلاتی مورد تاکید قرار گرفت، اهمیت این مهم بخصوص با توجه به این امر که تشدید بحران در جنبش کمونیستی و کارزار ضد مارکسیستی اپورتونیستها و سازشکاران و انحلال طلبان بر علیه تئوری انقلاب ایران در جهت خلع سلاح طبقه کارگر دفاع از زرادخانه پرولتاریا در مقابل این حملات را با برجستگی هرچه بیشتری در مقابل مدافعین تئوری پرولتری انقلاب ایران یعنی تئوری مبارزه مسلحانه قرار میدهد، آشکار می‌گردد. یکی دیگر از محورهای مورد مباحثه در نشست، مسئله مبارزه ایدئولوژیک درونی در سازمان بود که با بررسی ضعف‌های که در

این زمینه وجود داشته است و با تاکید بر این امر که مبارزه ایدئولوژیک فعال حول مسائل مبرم جنبش و سازمان یکی از مهمترین و مسائل تامین انسجام و یکپارچگی تشکیلات بوده و راه پیشرویهای آینده آنها همواره می‌سازد، در جهت جاری نمودن مبارزه ایدئولوژیک سازمان یافته و با برنامه رهنمودهای مشخصی داده شد. و تاکید گردید که مبارزه ایدئولوژیک در رابطه با مسائل مبرم جنبش و سازمان در نشریه درونی سازمان تحت نظارت ارگان مشخصی پیش رفته و ضمن آگاه نمودن ضرورت شرکت رفقا در این مبارزه کوشش شود تمامی رفقا فعالانه در این امر شرکت نمایند.

در همین رابطه ضرورت انجام مبارزه ایدئولوژیک درون تشکیلاتی بصورت علنی در سطح جنبش مطرح گردید ولی از آنجا که اکثریت رفقا معتقد به ناکافی بودن بحث‌ها در این زمینه بودند برخورد به این مسئله به فرصت دیگری موکول گردید.

محور بعدی مباحثات نشست برخورد با مسائل تشکیلاتی بود که در این چارچوب مسائل چندی مورد بررسی قرار گرفت که از جمله باید به چگونگی اجرای سانترالیزم دمکراتیک و موفقیت‌های که در این زمینه بدست آمده است اشاره نمود. اگر سانترالیزم دمکراتیک

بعنوان اساس‌ترین اصل کار تشکیلاتی به معنای اتحاد در عمل و آزادی بحث و انتقاد در رئوس کلی خود را به شکل انتخابی بودن ارگانها، گزارشدهی از بالا به پایین و بالعکس و رعایت انضباط سازمانی نشان میدهد در جریان مباحثات روشن گردید که سازمان توانسته است تا حدودی بر ضعف‌های که در این زمینه داشته فائق آید و در این چهارچوب از آنجا که گزارشدهی بعنوان امری سیستماتیک و مرتب از کلیه فعالیت‌های تشکیلاتی در سطح اعضای سازمان وجود داشته است (مرکزیت سازمان هر ۶ ماه گزارشی فعالیت‌های خود را کتبادر اختیار تمامی اعضا سازمان قرار میداد) ولی به این امر در سایر سطوح روابط تشکیلاتی بطور پیگیر و منظم کمتر بها داده شده بود. قرار بر این شد که از طریق گزارشات کتبی و برگزاری جلسات مختلف سطوح گوناگون روابط تشکیلاتی این نقصان نیز برطرف گردد.

در رابطه با امر انتقاد و انتقاد از خود، از آنجا که انتقاد درون تشکیلاتی سلاحی است که باعث استحکام و تقویت تشکیلات و نیروی رزمنده آن میشود و در صورتیکه این سلاح در یک تشکیلات کمونیستی درست بکار گرفته شود و به آن بمشابه وسیله ای در جهت ارتقاء وحدت‌های موجود به وحدت در سطح عالیتر نگاه شود و نه وسیله ای برای حملات شخصی و انتقام گیری،



بدون شك صفوف رزمنده سازمان از استحکام هرچه بیشتری برخوردار خواهد گردید. و از آنجا که وظیفه عمده انتقاد نشان دادن اشتباهات سیاسی تشکیلاتی می باشد نه افشای نواقص شخصی، در نشست بر این امر تاکید گردید که سازمان نتوانسته است این سلاح را بدرستی در روابط درونی بکارگیرد. و در نتیجه قرار بر این شد که ضمن آموزش هرچه بیشتر این اصل در جهت جاری ساختن آن در سازمان کوشش های لازم مبذول گردد.

در چارچوب مسائل تشکیلاتی جمع بندی از تجربیاتی که سازمان در ایجاد بخش دمکراتیک بدست آورده است نیز مورد توجه قرار گرفت و ضمن تاکید بر درستی این سیاست و دستاوردهایش که در این زمینه سازمان کسب نموده است بمثابه یک تجربه بر این امر تاکید گردید که در جهت جذب هرچه بیشتر رفقای از این بخش به صفوف سازمان باید آموزش های سیاسی تشکیلاتی با تاکید هر چه بیشتر مورد توجه قرار گیرد. و در همان حال برای رفع نقصانهای که در این زمینه وجود داشته است نشست قراری مبنی بر گسترش گزارش دهی به این بخش از تشکیلات را صادر نمود.

محور دیگری که قرار بود در نشست مورد بحث قرار گیرد حک و اصلاح اساسنامه سازمان بود که بنابه نظر اکثریت رفقا به فرصت

دیگری موکول گردید. و سپس پس از پایان مسائل مورد بحث که بخشا در بلامورد اشاره قرار گرفت، انتخابات برای تعیین ارگانهای رهبری سازمان انجام شد و این ارگانها انتخاب گردیدند.

رفقا!

در شرایطی که سلطه امپریالیستی با توسل به وحشیانه ترین سرکوبها انقلاب خلقهای ما را مختنق ساخته و میکوشد تا به هر وسیله که میتواند هر صدای اعتراضی را در گلو خفه سازد، در شرایطی که در هر گوشه این سرزمین فریاد اعتراض توده ها طنین افکنده و لرزه براندام نظام محتضیر و کندیده حاکم می اندازد، در شرایطی که با توجه به وسعت و شدت مبارزات توده ها تضادهای درونی طبقه حاکم شدت یافته و سگان زنجیری امپریالیسم به جان هم افتاده اند، شرایط کاملا مساعدی برای رشد و اعتلای هرچه بیشتر جنبش انقلابی خلقهای ما بوجود آمده است، متأسفانه جنبش خلق ما از فقدان یک رهبری انقلابی در رنج است و همین واقعیت وظیفه بس بزرگی را در مقابل کمونیستها و رزمندگان خلق ما قرار میدهد.

فقدان یک رهبری انقلابی در شرایط بحرانی در جنبش کمونیستی، مشکلات بزرگی در مقابل انقلاب ما قرار داده است، مشکلاتی که برای فائق آمدن بر آنها باید پرشورتر از همیشه بپاخواست.

بدون شك حل مشکلات انقلاب کار آسانی نیست و دشواری خاص خود را دارد اما کمونیستها در طول تاریخ خونین خود نشان داده اند که هرگز از مشکلات نهرا سیده و با درگیری از شکستهای خود پله های صعود به پیروزی را در نور دیده و طی خواهند نمود.

دهسال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بار دیگر نشان داده که مبارزه سخت است و طولانی و در همان حال با روشنی حیرت انگیزی ثابت نمود که راهی جز مبارزه ای خونین وجود ندارد. در این مسیر یاران زیادی را از دست خواهیم داد. اما پیروزی از آن ماست گرچه در شرایطی قرار داریم که تنها انقلابیون میتوانند به پیروزی بیاندیشند، انقلابیونی که بدون هراسیدن از مشکلات و سختیها، با ایمان به پیروزی راهشان بر علییه امپریالیسم و سگهای زنجیریش همچنان مرزمند.

بنابر این امروز وظیفه تمامی چریکهای فدائی خلق و رهروان انقلابی راه آنهاست که با هر آنچه در توان دارند در جهت تحقق آرمانهای انقلابی تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک کام بردارند و در روند پر پیچ و خم و حساس کنونی مبارزه، سازمان را یاری رسانند؛ تادر پروسه ای هرچه سریعتر سازمان ما قادر به ایفای نقش انقلابی هرچه فعالتری در نبرد عادلانه کنونی توده ها بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیریش گردد؛ و گامهای هر چه بلندتری در جهت برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برای نیل به سوسیالیسم بردارد.

اپورتونیزم و مسئله تمرکز در نیروهای سرکوب رژیم

از صفحه ۳۶

بوده و این ارگانهای سرکوبگر را به مثابه دو تفکلات کاملاً "مستقل" و "هموزن" در نظر می‌گیرند. "دو ارتش" که "متضاد" یکدیگرند و به اعتبار تضادهای عمیق و حاد بین آنها در هیچ صورتی جمهوری اسلامی توان متمرکز کردن آنها در یک ارگان واحد را نخواهد داشت و با ابلهانتر از این مطرح می‌کنند در صورتی که قرار بر "اندام" یا "انحلال" می‌هم در بین باشد چون سپاه نیروی ایندولوزیک رژیم می‌باشد در نتیجه همین ارتش است که باید در سپاه اندام یا منحل گردد و نه بالعکس. در میان طیف‌های رنگارنگ اپورتونیست‌هایی که اغاعه دهند این تفکرات انحرافی می‌یابند در این مقاله ما دیدگاه‌های "عورایمالی" اقلیت و راه کارگر را مورد توجه قرار داده‌ایم.

اقلیت (عورایمالی) در نشریه خود (کار شماره ۴ تیرماه ۶۷) در مقاله‌ای به نام "تمرکز در نیروی سرکوب جمهوری اسلامی از حرف تا عمل" در رابطه با دلائل انتصاب رفسنجانی به جانشینی فرمانده کل قوا از سوی خمینی می‌نویسد: "سرمداران جمهوری اسلامی بر این امر واقف‌اند که ادامه وضعیت فعلی و تقسیم ارگانهای سرکوب رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف این با آن مرتجع متنفذ خطر ایجاد شکاف در نه تنها ماسهین سرکوب بلکه ارکان قدرت جمهوری اسلامی را بهیچ وجه از بین نمی‌سازد" و در رابطه با فرمان فوق‌الذکر خمینی آنرا نشاندهنده: "تلاش جمهوری اسلامی برای خلاصی از وضعیت کنونی خود و اهمیت این تمرکز برای کلیت جمهوری اسلامی" قلمداد نموده و در عین حال مطرح می‌کند که تعدید تضادهای نیروی رژیم "تلاش جمهوری اسلامی در این عرصه را با شکست کامل مواجه ساخته اقدامات آنرا در همان گامهای نخست عقیم می‌گذارد".

نویسنده مقاله احکام فوق را بر مبنای این "تحلیل" مادر می‌کند که گویا تفاضات نیروی رژیم "نتیجه جبری

مسلحانه محدودی نیز منجر گردیده بود و طرح لامحه‌ای در جهت اندام وزارت سپاه با وزارت دفاع در مجلس ضد خلقی که سرانجام نیز به مدت ۱۶ ماه بررسی آن به تعویق انداخته شد و اعلام امکان اندام سپاه و ارتش و تفکلات ستاد مشترکی به منظور ایجاد "هماهنگی" بین ارتش و سپاه از سوی رفسنجانی تلقی‌های مختلفی را در سطح جامعه بوجود آورده و سوالات گوناگونی را در انان عمومی برانگیخت، سوالاتی همچون: آیا جمهوری اسلامی به واقع سپاه‌سازان ضد خلقی را منحل خواهد کرد؟ آیا سپاه در ارتش اندام خواهند شد یا ارتش در سپاه حل می‌شود؟ و گاه نیز این سوال مطرح می‌شد که آیا سپاه‌سازان کوفتا خواهد کرد؟ و.....

این سوالات و مسائل مربوطه زمینه‌ای شد تا اپورتونیست‌های رنگارنگ به اعتبار تحلیل‌های اپورتونیستی خود از ماهیت رژیم و نیروهای سرکوبگرش به اظهار نظر پرداخته و مواضع اپورتونیستی خود را بار دیگر به نمایش بگذارند. مواضع ناپرست و دیدگاه‌های انحرافی‌ای که بدون شک اغاعه آنها در جنبش انقلابی ما در روند پیشروی و تعمیق آن مضر و خطرناکند به خصوص در شرایطی که در زمینه بحرانهای موجود در جامعه امپریالیست‌ها بر علیه کارگران و زحمتکشان ما هر روز به نسبه چینی جدیدی مفعول می‌یابند؛ در نتیجه ضرورت پاسخ درست و انقلابی به مسائل فوق با برجستگی هر چه بیشتری در مقابل کمونیست‌ها قرار می‌گیرد.

اگر مواضع اپورتونیست‌ها را مورد بررسی قرار دهیم می‌بینیم که بنیاد اکثر این تحلیل‌ها بطور غیر علمی و غیر واقعی بر "استقلال" جمهوری اسلامی و بالطبع ارگانهای سرکوبگرش از امپریالیست‌ها قرار دارد و این تحلیل‌ها امپریالیزم را نه به عنوان عامل تعیین کننده در روند حرکت جامعه ما بلکه به عنوان عاملی که به هر حال نقشی دارد در نظر می‌گیرند و بالطبع برای سپاه و ارتش نیز "استقلال" قائل

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسم نیست

عمده‌ترین عامل بقا سلطه امپریالیستی درست در جهت تحقق امر فوق وظیفه سرکوب مبارزات توده‌ها را بر عهده دارند و در ده سال اخیر نیز با سرکوب ددمنه‌ها کارگران و دیگر توده‌های مبارز ما به خوبی به وظیفه ضد خلقی خویش عمل نموده و اگر متأسفانه "عورای عالی" نمی‌دانند و یا نمی‌خواهند بدانند برعکس جمهوری اسلامی بخوبی می‌دانند که در ده سال اخیر نه به اعتبار "انعیه و اوراد قرون وسطائی" بلکه با توسل بسه سرکوب خونین و مستماتیک انقلاب بوسله همین نیروهای مسلح سرکوبگر و اعمال محیلانه‌ترین سیاستهای نو استعماری به حفظ نظام موجود پرداخته است و علیرغم تفکرات غیر مارکسیستی "عورای عالی" "روبنای سیاسی جمهوری اسلامی" نیز نه تنها تناقضی با کل نظام ندارد بلکه کاملاً در انطباق با شرایط بحرانی نظام سرمایه‌داری وابسته ایران بوده و به همین دلیل نیز این رژیم مورد حمایت امپریالیسم جهانی قرار دارد و اگر غیر از این بود با توجه به وضعیت وخامت بسار و رقت‌انگیز او که عدت تناقضات درونیش تنها جلوه‌ای از این امر می‌باشد این رژیم يك روز نیز نمی‌توانست بر سرکوب بماند. در واقع عورای عالی این حقیقت را نمی‌توانند ترک کند که قدرت سیاسی در جامعه ما در حقیقت انعکاس قدرت امپریالیزم جهانی است بنا بر این چه می‌توان گفت به کسانی ظواهر رژیم جمهوری اسلامی با "انعیه و اوراد" آنها را چنان فریفته است که نمی‌توانند در یابند که اتفاقاً این ظواهر از ملزومات حفظ نظام بخران زده کنونی ایران است و سلطه امپریالیستی برای حفظ و تداوم خود به هر وسیله‌ای متوسل شده و به اشکال گوناگون خود را بروز می‌دهد.

نویسنده مقاله مزبور با انکار این واقعیت تضاد بین ارگانهای مختلف سرکوب جمهوری اسلامی را "بازتاب" تضاد خیالی خود یعنی "تناقض روبنای سیاسی جمهوری اسلامی" بنا بر نظام "حاکم دانسته و در حالیکه ارتش را جز "ارگانهای حاضر و آماده بورژوازی" می‌خواند و معتقد است که جمهوری اسلامی نیز "ارگانهای خاص خود" را بوجود آورده است نتیجه می‌گیرد که "اتکاء اصلی رژیم به سپاه پاسداران" می‌باشد. نویسنده دیگر وارد این بحث نمی‌شود که اگر اتکاء اصلی رژیم بر سپاه پاسداران بوده است پس در این حال "بورژوازی" و ارگان "حاضر و آماده" اش در این کشور چکاره بودند و چه سیاستهایی را پیش می‌برند؟ و اگر عورای عالی می‌پذیرد که در

تناقض روبنای سیاسی جمهوری اسلامی با نظامی است که این رژیم با توسل به انعیه و اوراد قرون وسطائی در ضد حفظ و تطهیر آنست.

بسیار جالب است زیر پوهن مارکسیسم اقلیت (عورای عالی) "انعیه و اوراد" اعاده می‌دهد. بگذارید روی این موضوع مکتب‌نمایش نظامی که جمهوری اسلامی "در ضد حفظ و تطهیر آن است" جز نظام سرمایه‌داری وابسته ایران نیست که جمهوری اسلامی به مدت ده سال در خدمت آن قسار گرفته است ولی چگونه این امر امکان پذیر شده است؟ اقلیت (عورای عالی) به ما می‌گوید بوسله "انعیه و اوراد قرون وسطائی"؟! بله بر اساس تحلیل مشمع نویسنده مقاله فوق‌الذکر که جمهوری اسلامی در ده سال اخیر با "انعیه و اوراد" روابط ظالمانه اقتصادی موجود را "حفظ و تطهیر" کرده است؛ آن هم در حالیکه این نظام با موجودیت خود وی با به عبارت (عورای عالی) اقلیت با "روبنای سیاسی جمهوری اسلامی" در تناقض قرار دارد. بواقع باید گفت سحر جادویی "انعیه و اوراد" جمهوری اسلامی قبل از هر چیز چنان نویسنده مقاله فوق‌الذکر را بر روی واقعیت‌های انکارناپذیر جامعه ما بسته است. اگر احکام مانده "نویسنده" را بپذیریم بالاجبار باید قبول کنیم که در ده سال اخیر سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران نه با زور سازمان یافته مسلح بلکه با "انعیه و اوراد قرون وسطائی" جمهوری اسلامی حفظ گفته است و اگر کارگران و توده‌های ستمدیده ما بر علیه این روابط ظالمانه و استثمارگرانه به پا خاسته و مورد سرکوب قرار گرفته‌اند بطوری که سهام واقعی جامعه ما را سرکوب و حیفانه کارگران و توده‌های ستمدیده تشکیل می‌دهد این امر نه به دلیل وجود ارتش ضد خلقی و دیگر ارگانهای سرکوبگر بمثابه فرزندان کوچک و بزرگ این ارتش بلکه بدلیل معجزه موهوم آن انعیه و اورادی حاصل گفته که رژیم گویا از اعماق قرون وسطی به قصد "حفظ و تطهیر" نظام موجود به‌رون کشیده است!

ولی آنچه "نویسنده" می‌گوید نافی همه واقعیات موجود می‌باشد (عورای عالی) اقلیت در صورتیکه بخواهد در جهت ارائه تحلیل مارکسیستی از مسائل گام بردارد باید به جای "بنا"ی "کمونیسم" به فراگیری الفبای مارکسیسم بپردازد تا در یابد حفظ نظام موجود در ایران اساساً با زور سازمان یافته امکان پذیر گفته و ارتش و زائده‌های آن به مثابه

و تغذیه آنها و با بدست داشتن عنان این ارتشها امنیت گریز سرمایه‌های افسانه‌ای و تحصیل سودهای نجومی را به بهای فقر و فلاکت کارگران و خلقهای تحت‌تسم برای خود امکان پذیر سازند بویژه که سلطه امپریالیستی بنا به ماهیت غارتگرانه خود همیشه با اعتراض و مبارزه خلقها مواجه گشته و بخصوص در شرایط رشد و تکوین فزاینده جنبشهای انقلابی مسلحانه ضرورت وجود چنین ارگانهایی با برجستگی تمام خود را نشان می‌دهد.

در مبین تحت‌سلطه ما نیز با گسترش و تعمیق این سلطه غارتگرانه، امپریالیستها ارتش ضد خلقی دست‌ساز خویش را با سازماندهی و آموزش و تجهیز آن به آخرین سلاحهای مرگبار و وسایل نظامی هرچه مدرنتر با صرف هزینه‌های بسیار از کیسه خلقهای تحت‌تسم ما به یک تفکیکات ضد خلقی حرفه‌ای قوی تبدیل نموده و به مثابه قدرتمندترین اهرم ماشین دولتی وابسته موجود در جهت حفظ سلطه امپریالیسم و نظام وابسته حاکم نه تنها در ایران بلکه در منطقه نیز بکار گرفته‌اند، ارگانی که بزرگترین عامل ضد کننده انقلاب بوده و بدون نابودی آن کوچکترین تفهیم انقلابی را در نظام کنونی نمی‌توان تصور شد.

اقلیت نفوری عالی با عدم درک این واقعیت در تحلیل مضمع خود تا آنجا پیش می‌رود که ضمن نادیده گرفتن این ارگان "حاضر و آماده" تکیه اصلی جمهوری اسلامی را سپاه پاسداران اعلام می‌کند و سپس با توسل به "جناح بسازی" معروف، ارگانهای سرکوبگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را به "مناطق نفوذ جناحهای مختلف" تقسیم می‌نماید ولی چنین تقسیم بندی جز تکرار همان داستان "دو جناح" معروف اپورتونیستهای ما در تحلیل ماهیت قدرت دولتی پس از قیام بهمین نیست که ضربات زهاری به جنبش خلق وارد نموده دو جناح "خرده بورژوازی" و "بورژوازی لیبرال" و با امثال آن که خیلی از به اصطلاح مارکسیستهای ما در توضیح ماهیت رژیم جمهوری اسلامی به "کف" آن نائل آمده بودند و با هر ساست محیلانه رژیم به خیال خود برای تضعیف جناحی در مقابل جناح دیگر و با تقویت جناحی بر علیه جناح دیگر به دنبال فروی از بورژوازی تماماً ضد انقلابی گنجه می‌دند آن منطق امروز و در شرایط دیگر و بدکلی دیگر خود را در به اصطلاح تحلیل نفوری عالی نشان می‌دهد و از اینرو آنها نباید از "نفوری عالی" برسید چرا که حال پس از حاکمیت

ایران بورژوازی وابسته [البته از نوع متوسط اش] در این حال طبقه حاکمه بوده است و منطقاً ارگان "حاضر و آماده بورژوازی" نیز عامل عمده بقای سلطه آن می‌باشد پس دیگر سخن گفتن از اتکاء اصلی رژیم بر سپاه پاسداران چه معنایی می‌تواند داشته باشد در این صورت فجا می‌را که ارتش ضد خلقی در حال اخیر و بویژه در رابطه با سرکوب خلقهای رزمنده ایران آفریده است چگونه باید توضیح داد. به واقع که نویسنده نمی‌تواند هم وارد این بحث شود که اتکاء اصلی رژیم را به سپاه پاسداران تلقی کرده یعنی انکار نقش ضد خلقی ارتش مثلاً در کردستان که بنا به گواه واقعیات بسیار و انعان به هم مرگان قهرمان خلق کرد سپاه پاسداران بدون تکیه به آن نمی‌توانست اعمال سرکوبگرانه خویش را پیش ببرد و اعتقاد به این امر یعنی تظہیر چهره بدمنفانه ارتش امپریالیستی با بنا به تعریف نفوری عالی اقلیت تظہیر ارگان "حاضر و آماده بورژوازی" ولی کدام ارگان "حاضر و آماده بورژوازی"؟ اگر نفوری عالی می‌پذیرد که ایران تحت سلطه امپریالیسم می‌باشد و طبقه حاکمه در این جا بورژوازی وابسته است پس در بررسی نیروهای سرکوبگر حافظ سلطه امپریالیسم و "پایگاه اجتماعی" آن باید به تاریخ شکل گیری این ارگان "حاضر و آماده" بورژوازی مراجعہ نمایم.

واقعیت این است که ارتش ضد خلقی ایران پس از کودتای رضاخان شکل گرفت. امپریالیسم با کودتای رضاخان در حقیقت نتواند اهرم قدرت را از قدرت سیاسی بطور قطعی کنار زده و این قدرت را کاملاً به زیر سیطره خود درآورد و بسا ایجاد یک قدرت مرکزی که متکی به یک ارتش سازمان یافته و حرفه‌ای بود هم جنبش ضد امپریالیستی خلق ما را سرکوب نمود و هم زمینه را برای بسط نفوذ هرچه بیشتر خود مهیا کرد.

امپریالیستها در طول تاریخ برای کسب و گسترش مناطق تحت نفوذشان با تکیه به زور و قهر ضد انقلابی که جزه لایتمجزای سلطه ضد انقلابی آنها می‌باشد کوشیده‌اند خلقهای جهان را سرکوب نمایند چرا که اصولاً منافع امپریالیسم یعنی سرمایه‌داری انحصاری ایجاب می‌کند که این غارتگران خونخوار جهانی و قاتلان خلقهای تحت‌تسم برای جپاول و غارت هرچه بیشتر سترنج کارگران و زحمتکشان بهی از هر چیز متکی به ارتشها و مؤسسات سرکوبگری و طوبلی باشند که با سازماندهی

یاسداران از یکدیگر به طور علمی و مستدل بسوا سوالات فوق پاسخ گفت؟ مسلماً نه چرا که در واقعیت امر سیاه یاسداران و هر ارگان ضد خلقی از این نوع که برای سرکوب انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ما سازمان یافته اند در خدمت ارتش قرار داشته و افسار این ارتش نیز در دست امپریالیستهاست.

ما زمانی که مدعی استاتاکاه اصلی جمهوری اسلامی به سیاه یاسداران میباید فراموش کرده است که اساساً قبل از اینکه این رژیم بر اریکه قدرت قرار گیرد سیاه یاسدارانی وجود داشته باشد این ارتش بود که به دستور اربابان خود با حمایت از خمینی شرایط برقراری جمهوری اسلامی را مهیا نمود و پس از تشکیل سیاه یاسداران نیز قبل از آنکه این سیاه کاپیلا شکل بگیرد این ارتش بود که ترکمن صحرا را به خاک و خون کشید و مردم قهرمان سفندج را البته با «دعیه و اوراد» بلکه با توپ و خمپاره کشتار نموده و نوروز خونین سفندج را آفریده و در نصال اخیر نیز ظفر غم رشد و گسترش سیاه یاسداران و تحقق شعار جانمان حکمه لیس «کثرتی» مبنی بر «یاسداران راه سلاح سنگین مسلح کنید» باز هم این ارتش است که ۸ سال در جبهه های جنگ و سرکوب کردستان همچنان در جهت حفظ نظام موجود گام برمی دارد. این فراموش کاری از طرف شورای عالی جز به معنی آن نیست که وی در لباس مارکسیسم با توسل بسوا غیر مارکسیستی ترین تحلیلها کارگران و زحمتکشان را از دستیابی به حقیقت باز می دارد و چهره ارتش ضد خلقی را تظهنر می نماید.

اگر شورای عالی فراموش کرده است که مجاهدین سالها با افاعه این توهم که سیاه یاسداران اتکاه اصلی رژیم خمینی و تنها ارگان سرکوب وی بوده و ارتش طرفدار مجاهدین و بنی صدر می باشد به تظهنر ارتش می پرداختند و اگر فراموش کرده است که آنها بدین نحو و با لایوهای دستان خون آلود ارتش در نقاط مختلف ایران و از جمله در «مسئله کردستان» خاک به چشم توده ها می پاشیدند ولی کارگران ما این واقعیات تلخ را فراموش نکرده اند و امروز نیز می توانند پس از آن همه تجارب منفی و دردناک قضاوت کنند که علمبرغم همه فحاشیها و اعلام ضدیت های اقلیت و مجاهدین چگونه شورای عالی با تمامی بزرگ کارهای ممکن در همان راه گام

سیاه جمهوری اسلامی و نتایج فاجعه بار چنین بدگانهائی از این «جناح» بازی مبتذل دست بر نمی نهد؟

اقلیت (شورای عالی) که این «جناح» بازی را در مستقل نشان دادن سیاه از ارتش آنها به این شکل که ارتش از آن بورژوازی است و سیاه از آن جمهوری اسلامی که خود در تضاد با «نظام» حاکم میباید بروز می دهد به اصطلاح تحلیل مارکسیستی خود را تا آنجا پیش می برد که نه تنها سیاه و ارتش را نیروهای مستقل از یکدیگر تلقی می نماید بلکه از «وجود نیروهای هموزن و با وظایف کاملاً یکسان از قبیل ارتش و سیاه یاسداران، کمیته ها و شهریانی و غیره و تلاش همهگی آنها برای نفوذ بردگری و گسترش هرچه بیشتر حوزه عمل خود» سخن می گوید و البته بدون اینکه قادر باشد «تلاش همهگی» آن «نیروهای هموزن» برای نفوذ بردگری را در جریان نصال زندگی مشترک این نیروها با همهگی نشان ندهد و حکم خود را به اثبات برساند و توضیح دهد که چگونه این «نیروهای هموزن» ۸ سال تمام در کنار هم در جهت منافع امپریالیستها جنگی در ابعاد جنگ ایران و عراق را پیش بردند و چگونه نصال است در سرکوب جنبش خلق کرد به «تلاش همهگی» مان انا می دهند و چرا علمبرغم همه آن نفوذ جوتیها برای «گسترش هرچه بیشتر حوزه عمل خود» ما شاهد درگیریهای شدید خونین بین آن دو نیروی «هموزن» «متضاد» نبوده ایم؟ و اگر «تقسیم ارگانهای سرکوب رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف» حقیقت دارد شورای عالی باید توضیح دهد که چرا در زمان هائیکه بعضی از هیئت حاکمه بر اثر حدت یابی تضادهای درونی طبقه حاکمه تصفیه می دهند صنادی هیچ گلوله ای شنیده نمی شد و مثلاً به عنوان نمونه چرا وقتی که بنی صدر آنها به مثابه «فرمانده کل قوا» به آن شکل از کاربرد کنار گرفته اند ارگان «حاضر و آماده بورژوازی» یعنی ارتش هیچ اقدامی نکرد و امروز در حالیکه «جناحهای مختلف» به هم چنگ و دندان نشان داده و به دریدن هم مشغولند از «مناطق نفوذ» این «جناحهای مختلف» اقدامی مشاهده نمی شود؟

آیا برآستی با «جناح بازی» و «تقسیم ارگانهای سرکوب رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف» و تفکیک سیاه یاسداران از ارتش بدلیل آنکه گویا یکی تکیه گاه «اصلی» رژیم و دیگری ارگان «حاضر و آماده» بورژوازی می باشد می توان با مستقل جلوه دادن ارتش و سیاه

مبارزات عادلانه بر علیه امپریالیزم و سگان زنجیرش را به خاک و خون می‌کشد و بالآخر همین ارتش ضد خلقی بود که در سالهای ۵۷ - ۵۶ در طول قیام قهرمانانه خلقهای بیباخاسته‌مان بر علیه دیکتاتوری وابسته به امپریالیزم شاه بنا به ماهیت سرکوبگرانه و امپریالیستی‌اش هر جا که توانست و اربابانش اجازه نداشتند با تمامی توده‌های بیگانه و مبارزین انقلابیون جان بر کف نبردهای خون برآوردند؛ و هنگامی هم که با اوج گهری جنبش توده‌ها در جریان قیام دلاورانانه بهمن ماه «حکومت قدرت» شاه یعنی همان «ژاندارم منطقه» - که دیگر حفظ در آن شرایط غیرممکن شده بود - طی یک برنامه‌ریزی حساب شده و دقیق توسط امپریالیستها بسا حکومت جمهوری اسلامی تمویض شد بر اساس سیاست امپریالیزم و در جهت پیشبرد محیانه‌ترین سوسه امپریالیستی به اصطلاح سلاح بر زمین گذاشت و با خاکمان جنید بیعت نمود.

سیاست امپریالیستی در این دوره ایجاب می‌کرد ارتش که عده‌ها آماج تهاجم مرگ‌آفرین توده‌های قهرمان ما قرار گرفته و ضرباتی به آن وارد گفته بود ظاهر بی‌طرف به خود گرفته و تا آنجا که ممکن است مصون از ضربه نگه داشته شود تا فرصت ترمیم و بازسازی یافته و مجدداً بر علیه خلقها بگارد رود. اگر چه امواج خروشان مبارزات توده‌ها فرصت دلخواه امپریالیستها را به آنها نداد و مانع از لایوفاشی چهره ارتجاعی ارتش گفت و از همان اولین روزهای پس از قیام، ارتش امپریالیستی با قساوت تمام برای سرکوب خلقهای قیام کفنه و بیباخاسته بر علیه تداوم سلطه امپریالیسم و سگان زنجیرش در خوزستان و ترکمن صحرا و کرستان وارد عمل شده با این حال گستردگی مبارزات توده‌های میلیونی که همچنان در صحنه سیاسی جامعه حضور داشته و با عتد هرچه بیشتر مبارزات ضد امپریالیستی خویش را به پیش می‌بردند و بسا آگاهی از ماهیت «ارتش‌هاهنشاهی» خواهان انطال آن بودند از یک طرف و ضرورت سرکوب خونین این مبارزات بنام انقلاب و اقتضای سیاست محیانه امپریالیستی مبنی بر لایوفاشی چهره جنایتکار ارتش از افکار توده‌ها و انحراف خفم و نفوسرت توده‌ای از آن از طرف دیگر ضرورت ایجاد ارگانهای سرکوبگر دیگری را در کنار ارتش برای امپریالیستها ایجاب می‌نمود. از جمله ارگان سرکوبگری که توسط مهره‌های وابسته ارتش و به کمک آن سازماندهی گردید سپاه پاسداران ضد خلقی بود و به

بر می‌نارد و ببینند که برآستی کی از کی تقلید می‌کنند؟ و چگونه اپورتونیستها و سازشکاران از روی دست همدیگر رونویسی می‌کنند.

برای اینکه ماهیت ضد خلقی و عملکردهای جنایتکارانه ارتش هرچه بیشتر با آوری گردد تا عمق گمراهی اپورتونیستها و اندیشه‌های انحرافی و غیر علمی آنان در مورد ارتش بسا برجستگی هرچه بیشتر خود را آشکار نماید و به جهت نشان دادن چرایی و چگونگی شکل گیری سپاه پاسداران لازم است به اختصار به توضیح مسائل مربوط به این دو ارگان سرکوبگر بپردازیم.

تاریخ شکل گیری ارتش امپریالیستی ایران را اصولاً باید با تاریخ تحولات سلطه امپریالیستی در ایران در ۷۰ سال اخیر مورد بررسی قرار داده اگر ارتش ایران توسط امپریالیستها انگلیسی شکل گرفت؛ در جریان جنگ جهانی دوم بدلیل ضعف امپریالیزم سلط بهمن، یعنی انگلستان به تفریح ایران در حوزه نفوذ امپریالیزم امریکا که در سطح جهانی نیز فاتح جنگ جهانی دوم بود قرار گرفت. امپریالیسم امریکا به اعتبار قدرت اقتصادی خود و ضعف امپریالیستهای کهن بخشهای زیادی از مناطق نفوذ آنها را تحت سلطه خود برآورد و در همین چهارچوب ایران نیز زیر سلطه امپریالیزم امریکا قرار گرفته و به این اعتبار امپریالیزم امریکا با تجهیز و سازماندهی ارتش آنرا به مثابه عمده‌ترین عامل سلطه خود در جهت پیشبرد سیاستهای ضد خلقی‌اش به خدمت گرفت.

کمتر کسی است که نقش محوری و جنایتکارانه این ارتش ضد خلقی که امروز بنا به شرایط موجود نام «ارتش جمهوری اسلامی» به خود گرفته است را در سرکوب جمهوری شوروی گیلان قیام شیخ محمد خیابانی و سرکوب خلقهای آذربایجان و کرستان و کودتای امریکائی ۲۸ مرداد برای ساقط کردن دولت ملی دکتر مصدق و سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد سرکوب رستاخیز میاهکل و کشتار وحشیانه ۱۷ شهریور و ۳۰۰۰ دافرا مویش کرده باشد. همین ارتش «حاضر و آماده» جمهوری اسلامی بسود که دبروز بنام «ارتش‌هاهنشاهی» و در طول سالهای دهه‌ستاک دیکتاتوری پهلوی در کارخانه‌ها و روستاها و دانشگاهها و خیابانها و در چهار گوشه مبین تحت سلطه‌مان مانند گرگ به جان خلقهای در زنجیر ما افتاده و آنها را می‌درسد و

یکی از نیروهای مسلح رژیم در بهگری باعد این سپاه پاسداران خواهد بود که با باید منحل شود و یا در ارتش ادغام گردد. بنا بر این منطقی است که وی ارتش را نیروی برتر و صاحب قدرت بهتری تلقی می نماید و از آنجا که از یک طرف نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را بستر عمل جناحهای مختلف رژیم خوانده و به عبارتی دیگر معتقدیه "تقسیم ارگانهای سرکوب رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف" می باشد و از طرف دیگر جناح رفسنجانی را جناح مسلط حاکمیت می خواند بر اساس چنین منطقی اصولاً از نظر شورای عالی ارتش باید وابسته به جناح مسلط رژیم و یا بزرگ او جناح رفسنجانی بوده باشد و لاجرم سپاه پاسداران وابسته به جناح غیر مسلط (کدام جناح غیر مسلط و دلایل عینی این امر چیست؟) ولی مگر شورای عالی قبلاً به ما نگفت که سپاه پاسداران نقطه اتکاء اصلی جمهوری اسلامی می باشد پس چگونه است که در اینجا، مطابق بسا منطقی که وی ارائه می دهد به یکباره نقطه اتکاء جناح مسلط رژیم ارتش از آب در می آید؟ آیا شورای عالی باسخی برای این تناقضات خویش دارد؟ و اگر نه "باعثه آشیل" تحلیلها پیش در کجا نهفته است؟ بدون شک عدم ترک نقش امپریالیزم و عدم شناخت ماهیت رژیم جمهوری اسلامی اصلی ترین نقطه ضعفی است که باعث بهدین چنان تناقضات و چنان تفکرات غیرواقعی در نزد شورای عالی می گردیده این واقعیت تاریخی که وی در مورد امکان یا عدم امکان تمرکز نیروهای مسلح رژیم مطرح ساخته با وضوح بیشتری نمایان است.

در این مورد شورای عالی با استناد به خصوصیات "بی نظمی" حاکم بر سپاه و منافع "گردانندگان این مأمورین عریض و طویل" طرح ادغام سپاه در ارتش را طرحی شکست خورده می خواند. صرف نظر از درست یا نادرستی این حکم آنچه در این جا مطرح است دلایل شورای عالی برای ارائه آن حکم می باشد. آیا بی نظمی در سپاه و منافع خاص مزدورانی که در رأس آن قرار گرفته اند (منافع "گردانندگان این مأمورین عریض و طویل") در صورتیکه امپریالیستها تمرکز نیروهای مسلح و انحلال یا ادغام سپاه را در ارتش برای حفظ نظام لازم تشخیص داده باشند می تواند آنچنان موانع جدی ایجاد نماید که اساساً تحقق آن طرح مفروض را با شکست مواجه سازد؟ شورای عالی در حالیکه مطرح می کند "تمرکز برای کلیت جمهوری اسلامی" از اهمیت زیادی برخوردار است و باند رفسنجانی به عنوان "جناح

این ترتیب سپاه پاسداران به عنوان فرزند خلف ارتش در خدمت به پیشبرد مقاصد ارتجاعی و جنایتکارانه آن موجودیت یافت. واقعیتی که علیرغم بهدین تضادهائی در روند تکاملی آن با ارتش دیگرگونه نگفت و نمی توانست دیگرگونه گردد چرا که هر دوی این ارگانهای سرکوب در خدمت به یک هدف ضد خلقی قرار داشته و از یک ماهیت برخوردار می باشند.

بنا بر این ارتش و سپاه پاسداران را به غیر از ارگانهای سرکوبگری که برای حفظ منافع امپریالیستها در ایران سازماندهی گفته و توسط امپریالیستها در جهت واحدی به کار گرفته می شود و تلقی نموده و آنها را دو نیروی مستقل متضاد با یکدیگر پنداشتن و بر این اساس سپاه پاسداران را "نیروی" مختص جمهوری اسلامی که "اتکاء اصلی رژیم" می باشد و ارتش را نیروی "حاضر و آماده بورژوازی" "شمردن" و "تقسیم ارگانهای سرکوب رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف" جزیه مفهوم کشیدن برده سائر بر روی واقعیات و جز توهم پراکنی و اغاعه "ادعیه و اوراد" جمهوری اسلامی نمی باشد.

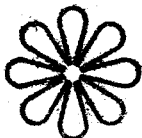
ببینیم شورای عالی در تحلیل آنچنانی خود در رابطه با مساله ادغام ارتش و سپاه در یکدیگر و بطور کلی در رابطه با فرمان فوق الذکر خمینی به کجا می رسد شورای عالی مسئله تمرکز نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی را تلاشی از جانب جناح رفسنجانی برای "غلبه بر مراکز متعدد قدرت در صفوف جمهوری اسلامی" و "ایجاد ابزار حفظ تفوی خود از طریق ادغام نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و از میان برداشتن تناقضات درونی آن به مثابه بستر عمل جناحهای مختلف ترونی رژیم" اعلام نموده و با اینکه معتقد است که: "این تمرکز برای کلیت جمهوری اسلامی" از اهمیت بسیاری برخوردار است ولی نتیجه می گیرد که چون در سپاه پاسداران و کمیتهها "بی نظمی حاکم بر این ارگانها و عملکرد آنها در طول نزدیک به ده سال حکومت جمهوری اسلامی امروز دیگر خود به قانون زندگی آنها تبدیل شده است" و از آنجا که: "گردانندگان این مأمورین سرکوب عریض و طویل [منظور سپاه پاسداران است] با منافی که در حفظ این همه امکان عمل در تمامی عرصهها دارند براضی انحلال یا ادغام این ارگان در ارگانهای دیگر و دست اندازی بر امتیازات خود را تحمل نخواهند کرد" رژیم در تحقق این سیاست با شکست مواجه گردید در اینجا شورای عالی تلویحاً می پذیرد که اگر قرار به انحلال یا ادغام



و آن دلالی که وجود سپاه پاسداران را ضروری می‌نماید منتفی گردد امبریا لیستها بدون توجه به منافع بی‌ارزش "گردانندگان" سپاه پاسداران می‌توانند آنها منحل یا در ارتش ادغام سازند به همین ترتیب باید با دیدی واقع بینانه رابطه ارتش با حکومتها ی مزدور و دست‌نشانده امبریا لیستها را بسر آورد نموده علیرغم تمامی ساده انگاریها و تبلیغات عوام‌فریبانه افسار این ارتش نه در دست "بزرگ ارتش داران" و "فرمانده کل قوا"ها بلکه در دست امبریا لیستها قرار دارد. ارتش ضد خلقی ایران نه "آریا مهری" بود و نه "اسلامی" شد بلکه این دستگاه سرکوب جهانی تنها و تنها با سازماندهندگان و تغذیه کنندگان واقعی خود یعنی امبریا لیستهای جهان‌خوار بوده و به‌عنوان مدافع و حافظ منافع استراتژیستیک امبریا لیستها در ایران عمل می‌کند و از آنجا که تجربه تمامی کشورهای تحت سلطه و از جمله تجربه سلطه امبریا لیستی در ایران نشان می‌دهد که امبریا لیستها هرگز سرنوشت خود را با سرنوشت رژیمهای وابسته‌شان گره نمی‌زنند و هر زمان که منافع آنان ایجاب نماید سگهای زنجیریشان را فدا خواهند نمود و آنچه برای آنها اساسی است حفظ سلطه جابرا نه‌شان می‌باشد و عملکرد ارتش به عنوان عمده‌ترین عامل بقای سلطه امبریا لیستی نیز به‌روشنی نشان داده است که چیز در خدمت این سیاست قرار ندارد. هم‌اکنون هرگونه تصویری مبنی بر اعمال سیاست خاصی از طرف رژیم وابسته به امبریا لیسم خمینی نسبت به ارتش جدا از سیاست امبریا لیسم تصور بوج و مہملی است.

و لذا با "تقسیم ارگانهای سرکوب رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف" کاری که قهرورای عالی انجام می‌دهد نمی‌توان به توضیح تغییر و تحولات احتمالی ترون این ارگانهای سرکوب پرداخت و به خصوص تا آنجا که صحبت از انحلال ارتش در میان باشد باید گفت هیچ تحولی جز انقلاب رها نمی‌بخشد خلقهای ایران قادر به انجام آن نیست و در این صورت ارتش نه اینکه با فرمانی منحل اعلام گردد بلکه در مسان ارتش مسلح خلق با آن نابود خواهد گردید.

ادامه دارد



مسلط" رژیم نیز در جهت ایجاد تمرکز مورد نظر تلاش می‌کند معینا وقتی با تکیه بر "بی‌نظمی" حاکم در سپاه پاسداران و منافع "گردانندگان این ماعین عریض و طویل" پیشاپیش شکست آن طرح را اعلام میدارد. بواقع به سوال فوق پاسخ مثبت می‌دهد و به این ترتیب ثابت می‌کند که از نظر قهرورای عالی منافع "گردانندگان" سپاه پاسداران که از نظر وی بالطبع مزدورانی غیر وابسته به امبریا لیسم می‌باشند بالاتر از منافع کل نظام قرار داده باطل بودن چنین تفکری آنقدر روشن است که احتیاج به توضیح زهدی ندارد ولی لازم است بسا با ناوری وقایع مختلف تاریخی روی این امر تاکید شود که حفظ منافع کل نظام برای گردانندگان اصلی آن همواره در رأس مسائل قرار نداشته و منافع خاص این یا آن ارگان ضد خلقی و این یا آن مزدور وابسته در مقابل آن هرگز اهمیتی نداشته و براحتمی می‌تواند زیر پا گذاشته شود. و در این زمینه حناقل جنین ما دارای تجربهات مشخصی است آیا وقتی منافع نظام سرمایه‌داری وابسته ایجاب کرد حتی هویداها و نصیری‌ها علیرغم ماهیت مزدوریشان اقدام نکرده‌اند بدون آنکه آبی از آب تکان بخورده همچنانکه در جهت حفظ آن منافع مهدی هاعمی به مرگ محکوم گردید و حکم مربوطه نیز اجرا شد؟

خلقهای ما به چشم خویش دیدند که وقتی در بستر رشد جنین توده‌های ساواک‌ها آماج نفرت توده‌ای قرار گرفت و در شرایطی که بر اثر اوج گیری جنین توده‌ای و اعتلای انقلابی آن دستگاه دیگر کارائی لازم را برای سرکوب توده‌ها نداشت علیرغم "عریض و طویل" بودن دستگاه ساواک و علیرغم منافع "گردانندگان" از آنجا که منافع کل نظام حکم می‌کرد فرمان انحلال این دستگاه جهانی صادر گردید.

کسانی که طرح تمرکز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را به دلیل عدم ایجاب منافع "گردانندگان" سپاه پاسداران مبنی انحلال یا ادغام این ارگان در ارتش طرحی شکست‌خورده می‌خوانند مسئله فوق را چگونه توضیح میدهند آیا در آن زمان "گردانندگان" ساواک منافع بزرگی در حفظ آن دستگاه نداشتند؟ چرا ولی دیدیم که وقتی شرایط حکم کرد امبریا لیستها در جهت حفظ سلطه خود ساواک را که سهل است هاه را نیز فدا نمودند همانطور که امروز نیز وقتی منافع نظام ایجاب نمود محسن رضائی با خفت و خواری بسه پست تلویزیون کفیده شد و مسلما هر زمان نیز شرایط ایجاب کند

”آرامش و امنیت“ برای جمهوری اسلامی،

”خودمختاری“ برای حزب دمکرات

از صفحه ۲۶

دلخواهی کرده بود ولی خیلی زود معلوم شد که خواست ارتجاعی ”کنترل کردنستان“ یعنی اعمال سلطه جمهوری اسلامی بر خلق کرد و ایجاد ”ثبات و امنیت“ لازم این سلطه هنوز به مثابه يك آرزو برای این رژیم جنایتکار باقی مانده است.

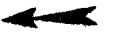
مسئله جمهوری اسلامی ضمن سرکوب خونین جنبش خلق کرد به سبب جنبش برعلیه این جنبش نیز پرداخته و بخصوص کوشیده است با اقدام به مالدوره های فزاینده ای، نهادهای سازشکار بیرون این جنبش را دچار وسوسه ساخته و به نام سبب های ضد خلقی خود بها فساد دولتی از آنجا که این رژیم بنا به ماهیت خود جز اعمال ستم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و بسط بوروکراسی منطخ خویش و سرکوب ددمنشانه انقلاب پاسخ دیگری برای خلقهای ما ندارد هرگاه نیروئی بنا به توهمات سازشکارانه خویش در نام سبب های فزاینده رژیم گرفتار آمده این امر جز رسوائی و تضعیف موقعیت آن نیرو نتیجه دیگری به بار نیاورده است در رابطه با امر سازشکاری در جنبش خلق کرد باید به این واقعیت اشاره کرد که در سالهای اخیر بعضی از نهادهای سازشکار با تعبیر و تفسیرهای نادرست از شعار ”خودمختاری“ و حتی تهیه ساختن آن از محتوای انقلابی خود سعی در ایجاد زمینه های سازشکاری در این جنبش نموده اند. خودمختاری به مثابه شکل

مفصی از تحقق اصل حق تعیین سرنوشت خواستی است که خلق کرد در راه تأمین منافع برحق خویش مطرح ساخته و به این امر بطور غیربازی کاملاً آگاه است که بنا بر سرکار بودن حکومت های دیکتاتور است یا بی خودمختاری ممکن نیست؟ ولی در سالهای اخیر از جمله نیروی سازشکاری که علیرغم این واقعیت بنا به مصالح خویش به تعبیر و تفسیر نادرست از شعار خودمختاری دست زده حزب دمکرات کردنستان ایران می یابد که اتفاقاً در حالیکه ادعای رهبری جنبش خلق کرد را نکرده همواره در عمل ضعف خود را در رهبری این جنبش آشکار ساخته است.

حزب دمکرات شعار استراتژیک خود را ”دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردنستان“ اعلام نموده و با اینکه خود مطرح کرده است که دو قسمت این شعار در ارتباطی ناگستنی با هم مفهوم می یابند ولی در عمل نشان داده است که بسا ”انعطاف“ پذیری کامل حاضر است در صورتی که منافع روزمره اش ایجاب نماید هم از خواست ”دمکراسی برای ایران“ دست بردارد و هم محتوای ”خودمختاری“ انعاشی را آنقدر تقلیل دهد که به واقع جز انعاش چیزی از آن باقی نماند. مثلاً زمانیکه بری عملیات مسلحانه مجاهدین چم رهبری حزب دمکرات را کور کرده بوده این رهبری به امهد سرنوشتی سریع جمهوری اسلامی با استیلاچگی تمام

به شورای ملی مقاومت مجاهدین و بی مبدوست و طرح خودمختاری ”شورا“ را به عنوان طرحی که گویا متضمن خواستهای اساسی خلق کرد می یابد به رسمیت شناخت در این دوره حزب دمکرات با ”خد کرد“ خواندن رژیم جمهوری اسلامی، مصالح خود را در عدم سازش با این رژیم می بیند ولی هنگامی که این حزب امهد خود را به سرنوشتی سریع رژیم خمینی و حاکمیت ”تنها آلترناتیو دمکراتیک“ از دست داده از ”شورای ملی مقاومت“ روی گرداند و به سوی مذاکره با رژیم ”خد کرد“ جمهوری اسلامی شتافت؟ تسا علیرغم سلطه دیکتاتوری در ایران، قسمت دوم ”شعار استراتژیک“ خود را تحقق بخشد و با مظلوم نمائی ویژه خود ادعای نماید که بدلیل ”ضعف جنبش سراسری“ مجبور به اتخاذ این ”تاکتیک“ گردیده و بسا ”انعطاف“ تمام - که از خصوصیات بارز این رهبری است - بدنبال خودمختاری موهوم و کنائی در شرایط سلطه دیکتاتوری در ایران روان شده است. ولی با اینکه این حزب ملی مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی حتی شروط جمهوری اسلامی از جمله قطع ارتباط با ”شورا“ و جنگ با کومه له را عملاً به پیش برد ولی از اقدام سازشکارانه خویش طرفی نه بست و جز بدنامی چیزی از جمهوری اسلامی نصیبی نگرفت و بار دیگر معلوم شد که از





"آخوندهای کودن" مجزه‌ای سر نخواهد زد و آنان "سیاستمداران با تجربه" را فریفته‌اند و به این ترتیب رهبری حزب دمکرات مجبور شد با سرعسکتگی بار دیگر اعلام کند که در چهارچوب جمهوری اسلامی از خود مختاری خبری نخواهد بود.

در هر صورت از آنجا که حزب دمکرات بنا به ماهیت خود در این سالها همیشه چشم به بالا داشته پس از سر خوردگی از اقدامات فوق به سوی محافظ و نیروهای ضد انقلابی نظیر مدنی و نریزه و غیره روی آورد و کوشید تحت پوشش ایجاد "جبهه دمکراتیک و ضد امپریالیستی" با چنان نیروهایی که وابستگی‌شان به امپریالیسم محرز است عقد اتحاد ببندد و در این مسرتا آنجا پیشرفت که حتی کوشید تا عدای تظلم‌خواهی خود را به گویندگان رئیس‌جمهور جنایتکار امریکا نه‌زیرساند و او را با واقعیت‌های کرستان آشنا سازد. حزب دمکرات می‌تواند همه این اعمال سازشکارانه و کوتاه‌بینانه خود را به حساب اتخاذ "تاکتیک" های لازم در هر مرحله مبارزه بگذارد ولی واقعیت این است که این حزب در عمل همان داده‌است که نه تنها در اتخاذ تاکتیک مهارتسی ندارد بلکه هیچ ترکی هم از مفهوم استراتژی و عمارهای استراتژیک نداشته و ندارد.

در هر صورت در این سالها حزب دمکرات فقدان چشم اندازهای روشن مبارزاتی و عدم پایبندی به اصول و عمارهای استراتژیک خود را بارها به اثبات رسانده‌است و در این مسیر از جنگ با کومله و اخیرا با جناح انفعالی حزب دمکرات نیز ابائی نداشته است ولی آخرین مورد از سازشکاریهای حزب دمکرات

که در ضمن مضحک‌ترین آنها نیز هست مربوط می‌شود به شبهه برخورد این حزب با مسئله هیئتی که اخیرا جمهوری اسلامی برای تهیه گزارشی از اوضاع کرستان به این منطقه اعزام نموده است.

برای کسانی که هرچند با "سیاست" آغشائی نداخته باشند ولی فقط اندکی دارای فهم سیاسی باشند اعزام چنین هیئت‌هایی نه تعجب‌انگیز است و نه غیره منتظره. چرا که همیشه رژیم‌های وابسته به امپریالیسم و اربابان آنها برای ارزیابی سیاستهای خود به اشکال گوناگون به بررسی روشها و خواستهای مردم می‌پردازند. از این رو پرس و جوی هیئت اعزامی جمهوری اسلامی از مردم در مورد مسائل کرستان و تهیه پرسش‌نامه‌هایی در این زمینه قاعدتا نباید رهبری "با تجربه" سازمانی چون حزب دمکرات را استیجاب سازد. ولی چه می‌شود کرد که حتی مبادرت به چنان اقدامی از طرف جمهوری اسلامی این رهبری را دچار

سوسه می‌سازد تا آنجا که وی عدنان اختیار از دست داده و در گفتار رادیهویی سوم مهرماه خود اعلام می‌نماید: "ما رهبر و نماینده خلق کرد هستیم و هیچکس حق ندارد با رژیم در این مورد مذاکره کند، بجز ما" و گوئی که همین حزب نبود که پس از تجربه تلخ مذاکرات پنهانی با رژیم با سرافکنندگی اعلام کرده بود در چهارچوب جمهوری اسلامی از خود مختاری خبری نخواهد بود در ادامه گفتار رادیهویی فوق‌الذکر به فرمانده تاکتیک می‌کند "به ما خود مختاری بدهید ما آرامش و امنیت را به کرستان بساز می‌گردانیم و در بازسازی کشور هم‌فکرکت خواهیم کرد."

چه افتخار بزرگی!!! حزب دمکرات

با التماس از جمهوری اسلامی می‌خواهد به او اجازه دهد تا "آرامش و امنیت" دلخواه این رژیم را به کرستان بازگرداند و تازه از این هم جلوتر رفته و خواهان حرکت "در بازسازی" ادعائی رژیم جمهوری اسلامی شده است همان بازسازی که رژیم اولویت را در آن به بازسازی نیروهای سرکوب‌گش اختصاص داده. نکند حزب دمکرات قصد تبدیل شدن به زائده‌ای از ماسهین سرکوب جمهوری اسلامی را دارد؟ شاید هم در این مسرت رهبری حزب دمکرات که می‌دانند جمهوری اسلامی در "بازسازی" ادعائیش با کمبود بودجه مواجه است قصد دارد "مالیات" هائی که در این سالها از مردم کرستان اخذ نموده برای کمک به "امیر بازسازی" در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد! خلاصه از هر زاویه‌ای این موضع به غایت ارتجاعی حزب دمکرات مورد توجه گیرد چیزی جز رسوائی در آن دیده نخواهد شد.

در هر حال لازم است به حزب دمکرات بگوئیم، اگر مفهوم برگشت "آرامش و امنیت" در قاموس رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز سرکوب اعتراضات توده‌های ستمدیده کرد و از بین بردن مبارزه سازمان‌های انقلابی و پیشمرگان قهرمان کرستان نمی‌باشد آیا سخنان شما به این معنی نیست که مرا به حساب آورید تا جنبش خلق کرد را سرکوب نموده و آرامش و امنیت دلخواه‌تان را در کرستان برقرار سازم؟! برآستی شما چگونه می‌خواهید "آرامش و امنیت" دلخواه رژیم جمهوری اسلامی را در کرستان برقرار سازید و در مبارزه توده‌های رزمنده کرد بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم





جمهوری اسلامی اخلاص ایجاد کنید؟

اگر جمهوری اسلامی با ایجاد دو تا سه هزار پایگاه سرکوبگر و تمرکز حدود دویست هزار نفر از نیروهای مزدور می نتوانسته است در کرستان "آرامش و امنیت" دلخواه خود را ایجاد نماید، شما هم مطمئن باشید که با آن حداقل امکاناتی که برایمان مانده است نخواهد توانست در عزم خلق کرد برای دستیابی به آزادی و خودمختاری خلل اساسی وارد آورد.

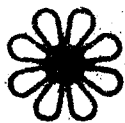
تازه مگر در ۴ سال اخیر شما به جای "تمرین دمکراسی" به "تمرین جنگ" برانگیزی و اعمال فشار بر نیروهای انقلابی نپرداخته‌اید و مگر از این کار در عمل نتیجه‌ای جز شکست حاصل شده است. پس خیالتان راحت باشد که نسخه جمهوری اسلامی نیروئی است که شما را آنطور که می‌خواهید به حساب آورد و نه شما نیروئی هستید که توانائی برقراری "آرامش و امنیت" دلخواه جمهوری اسلامی را داشته باشید. پس بهتر است به‌سزای این در این "کوره راه" پهن نروید که نتیجه‌ای جز خفت و خواری نصیبتان نخواهد شد.

اما سخنان فوق‌الذکر بار دیگر نشان می‌دهد که شعار خودمختاری در نزد حزب دمکرات آن "کارت" معجزه آمانی است که در هر شرایطی می‌توان آنرا به نوعی تعبیر و تفسیر نمود که یکی از تماپیر آن همانا "خودمختاری" در شرایط سلطه جمهوری اسلامی در ایران می‌باشد که البته واضح است چنین پدیده‌ای تنها در لفظ می‌تواند بعنوان خودمختاری مطرح شود و مفهوم آن در عمل همانا حفظ وضع موجود خواهد بود و به این ترتیب معلوم

می‌شود که حزب دمکرات آنقدرها هم دو بند "شعار استراتژیک" خود را بهم پیوسته نمی‌داند و در شرایط مقتضی می‌تواند به توهم کسب یک خودمختاری کفایتی از "دمکراسی برای ایران" عجلتا چشم‌پوشی نماید. مگر اینکه رهبران حزب دمکرات در مورد دیکتاتوری "آخوندی" خواب‌نما شده و به این نتیجه رسیده باشند که در این سالها نه با دیکتاتوری بلکه با "دمکراسی" "آخوندی" سروکار داشته‌اند. در هر حال این واقعیتی است که نیروهای همچون حزب دمکرات در فقدان رهبری پرولتاریا در جنبش، به مثابه تنها طبقه انقلابی که توانائی حل مسئله ملی را در ایران داراست، فاسقند چمن نادزهای روشن مبارزاتی بوده و بیشتر چمن به بالا خواهند دوخت.

خودمختاری شکل مشخصی از تحقق حق تعیین سرنوشت می‌باشد که خود بدون محیط آزاد و شرایط دمکراتیک معنی نخواهند داشت. لذا هر نیروئی که در صدد تحقق این شعار باشد باید قبل از هر چیز برای دمکراسی مبارزه نماید ولی دمکراسی در شرایط سلطه امپریالیسم جز با نابودی

این سلطه برقرار نمی‌گردد. براین اساس مبارزه خلق کرد برای دمکراسی در جهت تحقق حق تعیین سرنوشت خویش، به مبارزه برعلیه سلطه امپریالیسم و نابودی ماهین دولتی وابسته کفستون فقرات آنرا ارتقا امپریالیستی تشکیل می‌دهد تبدیل شده و جزئی جدائی ناپذیر از انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ما برعلیه نظم موجود را تشکیل می‌دهد و از آنجا که این انقلاب بدون رهبری پرولتاریا به سرانجام نخواهد رسید، بنا بر این معلوم می‌شود که حل مسئله ملی در رسالت پرولتاریا، این طبقه تا به آخر انقلابی و کمونیستی‌هاست قرار دارد که به واقع نماینده طبقه کارگر هستند. و اتفاقا مواضع و عملکرد نیروهای سازدهکاری همچون حزب دمکرات در سالهای اخیر تأییدی بر این حقیقت بوده و ضرورت پاسخ کمونیستی برای حل مسئله ملی در کرستان را به وضوح آشکار می‌سازد.



از صفحه ۴

آموزش و پرورش در ۰۰۰۰

تبدیل نموده و با خشم و نفرت افزونتری خود را برای مبارزه با رژیم سرپا جنایت جمهوری اسلامی آماده سازید. بایست بکوشید با همکاری دیگر دانش آموزان مبارز در حد امکان بطور هرچه متشکلتتری به مبارزات خود برعلیه رژیم ابعاد هرچه وسیعتری بخشیده و با استفاده از تمامی شیوه های مبارزاتی برعلیه سیاستهای ضد خلقی رژیم بپاخیزید. بدون شك پیروزی از آن خلقهاست که برعلیه سلطه امپریالیستها و سرمایه داران زانو صفت و رژیمهای مزدورشان عزم جزم کرده و به مبارزه برخاسته اند.



اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با تشدید اعدام زندانیان سیاسی

خلقهای مبارز ایران!

از زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل برای برقراری آتش بس در جنگ ایران و عراق، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با سبعیت تمام به شکار انقلابیون پرداخته و هر روز دسته دسته از زندانیان سیاسی را تیرباران و یا وحشیانه در ملاء عام حلق آویز مینماید. از سوی دیگر جدا از کشتار وحشیانه انقلابیون اسیر، رژیم ضد خلقی بسراغ تعداد بسیار زیادی از انقلابیونی که طی دوران حکومتیشان طرف چند سال اخیر از زندانها آزاد شده بودند، رفته و آنان را دوباره به اسارت گرفته است. همچنین مزدوران رژیم در اکثر سیاهچالها با قطع ملاقات زندانیان سیاسی با بستگانشان به تشدید شکنجه و آزار رزمندگان دربند پرداخته و در مقابل اعتراض خانواده های زندانیان سیاسی با وحشیگری تمام آنها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و پاسخ اعتراضشان را با اعلام خبر اعدام فرزندان انقلابیشان به آنها میدهند. ابعاد اعدامهای اخیر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که در شهرهای مختلف و در سیاهچالهای گوناگون این رژیم صورت گرفته بقدری وسیع و گسترده است که فقط در تهران در یک روز چند صد جنازه را در کورستان بهشت زهرا به خاک سپرده اند.

خلقهای قهرمان ایران!

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در سالهای سیاه سلطه ننگین خود که جز با تکیه به سر نیزه و سرکوب ددمنشانه انقلاب ما، امکان حیات نداشته، علیرغم تمام جنایاتش نتوانسته است در مقاومت عادلانه خلقهای ما خلی وارد نموده و فضای رعب و وحشت و روحیه یاس و تسلیم طلبی را بر خلقهای مبارز ما حاکم سازد. کما اینکه مقاومت زندانیان سیاسی در سیاهچالهای رژیم خود جلوه ای از مقاومت قهرمانانه توده های ستمدیده ما در مقابل رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی میباشد. اعدام وسیع زندانیان سیاسی پس از عقب نشینی مفتضحانه جمهوری اسلامی از مواضع اعلام شده اش در رابطه با جنگ در واقعیت تعرض گسترده ای به انقلاب ماست. تعرض وحشیانه ای که قبل از هر چیز قلب زندانیان سیاسی، این جلوه های شکوهمند مقاومت خلقهای ما

را نشانه گرفته است. تعرضی که رژیم با توسل به آن میکوشد با ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه "امنیت و آرامش" مورد نیاز اربابان امپریالیستش و سرمایه داران وابسته را فراهم سازد و به این وسیله برای انحصارات امپریالیستی پیام میفرستد که همچون دهسال اخیر حاضر است در جهت منافع آنها به هر جنایتی دست یازد و با "پاکسازی" انقلابیون برای "بازسازی" نظام گندیده سرمایه داری وابسته ایران و حرکت وسیعتر سرمایه های انحصارات امپریالیستی زمینه را مهیا سازد.

کارگران، زحمتکشان، رفقای هوادار!

در شرایطی که تعرض وحشیانه جمهوری اسلامی به انقلاب ما قلب زندانیان سیاسی را نشانه گرفته و رژیم با کشتار ددمنشانه زندانیان سیاسی وحشیانه ترین فجایع را آفریده است. وظیفه شماست که با تمام قوا برعلیه این کشتار وحشیانه بپاخیزید. باید ضمن ارتباط با خانواده های زندانیان سیاسی اعتراضات و مبارزات آنها را برعلیه جنایتهای رژیم در حق فرزندان انقلابیشان متشکل و یکپارچه ساخت. مطمئن باشید که تنها دفاع انقلابی از زندانیان دربند و رزمندگان صدیق خلق، مقاومت و مبارزه برعلیه این رژیم وابسته به امپریالیسم میباشد و همین مقاومت و مبارزه شماست که پوزه این سگ زنجیری امپریالیسم و اربابانش را به خاک خواهد مالید. با ایمان به پیروزی محتوم خلقهای ایران مبارزات خود را برای آزادی کامل زندانیان سیاسی در جهت سرنوشتی رژیم ضدخلق جمهوری اسلامی شدت و گسترش هرچه بیشتری بخشید.

جاودان باد خاطره همه شهدای بخون خفته خلق!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

مهر ۶۷

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها

گفته‌ها و نکته‌ها

آنچه در زیر مشاهده میکنید نمونه هاش از بناوه سرائشهای سران مزدور رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در طول سالها تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق در رابطه با ضرورت جنگ و برکات آن و سپس در یک چرخش ۱۸۰ درجه ای در رابطه با ضرورت پذیرش آتش بس و برقراری صلح میباشد. اگر تا دیروز سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی در جهت اجرای سیاست اربابان امپریالیستان بر طبل جنگ می‌کوبیدند و آنرا "برکت الهی" میدانستند و در تائید آن شعار میدادند امروز که مصالح امپریالیسم بر قطع جنگ حکم میرانند، سران جمهوری اسلامی از ضرورت آتش بس و صلح سخن می‌گویند. چرخش که برآستی نشان میدهد نه تصمیم بر تداوم جنگ و نه قطع آن در اراده این مزدوران نسوده و در عرصورت چه دیروز و چه امروز تنها وظیفه شعاردادن در جهت توجیه سیاستهایش است که اجرائیش برعهده شان گذاشته شده است.

گفتگو با روزنامه جمهوریست چاپ ترکیه
وزیر خارجه جنگ تا سرنگونی صدام ادامه خواهد داشت
۱۳۶۲ بهمن ۱۱

تب جنگ در کشور ما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست

«امام خمینی»

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ

«کجاست آن خونخواه و منتقم خون شهید کربلا»

اعزام سراسری

حماسه سازان عاشورا

این جوانهای ما هستند
که باید این جنگ را
به آخر برسانند.
«امام خمینی»



پایان جنگ ممکن نیست ، الا به سقوط حزب بعثت

«امام خمینی»

کشنه ۱۴ بهمن ۱۳۶۲

۱۶۵۰ - سال ششم

۱۱ راندنی

میخواهیم

یکی دو ضربه

مرحله دوم

اعزام حماسه سازان عاشورا

جمهوری اسلامی

سه شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۶۲

سررنگ سیاد شیرازی طی گفتگویی اعلام کرد:

ما آخرین ضرباتمان را به
صدامیان وارد خواهیم کرد

چهارشنبه ۳ اسفند ۱۳۶۲

حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در دیدار با وزیر سپاه پاسداران به همراه جمعی از فرماندهان این نهاد و ارتش جمهوری اسلامی ایران

تمایل داریم در جبهه به
قضیه صدام پایان ببخشیم

بزرگواران مجاهدان و مجاهدات اسلامی

صلح با صدام جنگیدن با اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز اگر ما عقب نشینی کنیم، اسلام را شکست دادیم... امروز ما نمیتوانیم با اینها صلح کنیم... اینها صلح طلب نیستند، دروغ میگویند... از سخنان امام خمینی ۶۲/۱۲/۱۴

کیمیا

شنبه ۲۵ مهر ۱۳۶۶
رئیس جمهور در خطبههای امام جمعه تهران نماز جمعه تهران

امام جمعه خود به مسائل اخیر شورای امنیت اذعان کرد: ما در مورد فارس و چنگ تصمیمی نداشتیم خود را بیان کردیم و به کسانی که میشود آنان دوستانه سخن گفت، تاکید می کنیم که تنها راه عمل و اجرائی قطنامه ۵۹۸ شورای امنیت شناسایی عراق به عنوان سرزنش کننده تجاوز و تشکیل دادگاه برای رسیدگی به کار متجاوز می باشد. و اگر می خواهد تلاش های دبیر کل سازمان ملل بجایی برسد و این قطنامه مورد توجه قرار بگیرد راضی همین است و لا غیر. وی افزود: مردم ما و رزمندگان ما مطمئن می گویند اگر سه رژیم عراق راه مجازات نکرده باشد ما با دستی واحد خود گریبان صدام را گرفته و او را مجازات خواهیم کرد.

* اکنون که دشمن را کنار دیوار قرار داده ایم و در آستانه پیروزی قرار داریم باید بیشترین فشارها را تحمل کنیم

رفسنجیانی در بنیادهای معاویه خود گفت: «بسیار امروز ما این است که افکار عمومی دنیا انقلاب ما را درک کند. در نتیجه تبلیغات ناسازگاری که در باره ما شده ما را با عنوان جنگ طلب و صفت های دیگر مشخص کرده اند. اگر ما پیروز هم شدیم و سرزمین عراق را تصرف کرده و رژیم آن کشور را هم سرنگون ساخته بودیم، ولی افکار عمومی دنیا بخصوص در جهان مسلمانان، نسبت به ما مساعد نبود، باز پیروز شناخته نمی شدیم. ولی امروز دنیا و بخصوص دانشمندان امریکا را هم در کار بازسازی رد نکنیم.»

دژ خارجه جمهوری اسلامی برای اجرای قطنامه ۵۹۸ از شورای امنیت کمک خواست

هاشمی رفسنجانی: تصمیم به قبول قطنامه ۵۹۸ یک تصمیم تاریخی برای جمهوری اسلامی ایران است

به دنبال پیام حضرت امام اتخاذ شد

ریچارد مورفی: امر یکا در قبول آتش بس از سوی جمهوری اسلامی نقش موثر داشت

قبول این مساله برای من از زهر کشنده تر است ولی راضی به رضای منم و برای رضایت او این جرعه را با قبول قطنامه و آتش بس نوشیدم.

* در مورد قبول قطنامه که حقیقتا مساله بسیار تلخ و ناگوار برای همه و خصوصا برای من بود من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در چنگ بودم، ولی به واسطه حوادث و عواملی و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تفهید و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، موافقت نمودم.

نهایتا مردم تمنا بر این خدا را شکر می کنیم که به ما امامی داد ما است که در مراحل حساس تصمیم می گیرند. وی سپس به برخورد خانواده شهید با این مساله اشاره کرد و گفت: دیشب پسرهای تلخی یا حضوری تماس گرفتند و دانو قال کردند که ما خانواده های شهید صبر نمی کنیم و چه می کنیم... حتی بنا داشتند امروز راهپیمایی کنند البته راهپیمایی برای ادامه جنگ نه راهپیمایی برای این که مخالفت کنند.

پیام امام خمینی در مورد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و آتش بس
«بسیار امروز ما این است که افکار عمومی دنیا انقلاب ما را درک کند...»
«...»
«...»
«...»

خامنه ای: حضور زیر دژ خارجه جمهوری اسلامی برای اجرای مواضع امام خمینی در مجمع عمومی سازمان ملل
وزیر خارجه جمهوری اسلامی طی یک سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل خواستار کمک شورای امنیت به اجرای مواضع امام خمینی شد و گفت عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی ایران و عراق بدون تاخیر انجام پذیرد. وزیر خارجه

گزیده هاشم از رادیو صدای چریکها

رژیم جمهوری اسلامی همچون رژیم شاه، وابسته به امپریالیسم می باشد

در مورد لجن پرائنی های اخیر خامنه ای بر علیه کمونیست ها

نگاهی به اظهارات مدیر عامل صدا و سیمای رژیم ضد خلقی

۶۷/۷/۱۴

دوروز پیش خمینی جلاد، این سگ زنجیری امپریالیسم، یکبار دیگر به صحنه آمد و با توسل به عوامفر بیهای همیشگی خویش باز هم به سردادن شعارهای پوچ و بی محتوای ضد امپریالیستی پرداخت. خمینی مزدور اینبار در رابطه با امر بازسازی مناطق جنگی صحبت نمود و در جواب به نامه سردمداران جنایتکار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی یعنی خامنه ای، موسوی، رفسنجانی و موسوی اردبیلی که در باب بازسازی خرابیها و ویرانیهای ناشی از جنگ از اسام جنایتکارشان کسب تکلیف نموده بودند گفت: "مسئولین نظام هرگز قبول نمیکنند که در راه باز سازی کشور، ایران به شرق و غرب وابسته شود" این مزدور عوامفر بیانه ادامه داد: "من تا زمانی که زنده ام اجازه نخواهم داد که جهت سیاستهای اصلی و واقعی ما تغییر کند"

اراجیف اخیر خمینی، هر فرد اندک آگاهی که بخصوص این روزها شاهد توسعه قراردادهای اسارتبار رژیم با امپریالیستها و دول غارتگر می باشد را به خنده

۶۷/۷/۱۸

خامنه ای مزدور رئیس جمهور رژیم در قسمتی از سخنانش در مراسم اخیر نماز جمعه تهران کوشید تا رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را بعنوان نقطه امید و الهام برای انقلابیون کشورهای تحت سلطه جهان و بویژه کشورهاش که اکثر جمعیتشان مسلمانند وانمود نماید. وی در این رابطه همچنین مجبور به اعتراف شد که: "در گذشته هرگاه میخواستند گروههای فعال و روشنفکر و آزادیخواه یک کشوری رو مشخص کنند و نشان بدن باید میرفتند سراغ گروههایی که دارای گرایشهای چپ و الهادی و مارکسیستی بودند. اینها بودند که غالباً در کشورهای گوناگون از جمله در کشورهای اسلامی فریاد آزادیخواهی میکشیدند، یا صدای اعتراض به نظم موجود را نشان میدادند". خامنه ای بدنبال اعتراف فوق الذکر، برای تخطئه کمونیستها با تحریف واقعیات افزود: "اما از وقتی، جمهوری اسلامی تشکیل شد از گروههای با گرایش چپ دیگر خبر و اثری نیست، بروزی ندارند".

مالزومی نمیبینیم که در

بقیه بر صفحه ۳۰

۶۷/۷/۷

رادیو رژیم ضد خلقی خبر داد که محمد هاشمی مدیر عامل مزدور صدا و سیما بمنظور افتتاح پروژه ساختمان یک ایستگاه موج کوتاه، رادیو که قرار است در استان کرمان شروع به کار نماید عازم آن استان گردیده است. وی که برادر هاشمی رفسنجانی بوده و به اعتبار اعمال نفوذ او به سرپرستی سازمان صدا و سیمای رژیم گمازده شده است در طی سفر اخیر به تشریح فعالیت های این سازمان پرداخته و گفت: "ایجاد دو کانال تلویزیونی و ۲ کانال رادیوئی در سطح کشور و ایجاد یک شبکه موج کوتاه رادیوئی برای برون مرزی و یک شبکه برای خط دفاعی کشور از نظر امواج و یک شبکه FM در سالهای اخیر از مهمترین اقدامات این سازمان برای مقابله با توطئه تبلیغاتی استکبار جهانی" بوده است. در جریان این سفر هاشمی اولین کلنگ اهدات دومین ایستگاه رادیوی موج کوتاه رژیم با قدرت ۴۰۰ کیلووات و دو ایستگاه فرستنده موج متوسط با قدرتی معادل ۵۰۰ کیلووات را در شهرستان سیرجان به زمین زد که بر اساس این طرح صدها میلیون تومان دیگر از بودجه

بقیه بر صفحه ۳۱

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

دارد با توسل به آن در مقابل توده ها به گم کردن سرکلاف پیبردازد و تمامی اعمال و قراردادهای اسارتبار ناکتونی رژیم جمهوری اسلامی بسا امپریالیستها که بنابه منافع آنها صورت پذیرفته است را نه تشدید وابستگی بلکه وقیحانه عین استقلال بنامد.

بواقع وابستگی جامعه ما به امپریالیستها در دوره رژیم جمهوری اسلامی بعدی افزایش یافته و این رژیم با چنان بندهای قویای به امپریالیسم وابسته است که تنها مزدوران وقیح و دروغپرداز رژیم میتوانند بسا عوض کردن دو واژه وابسته و استقلال بسا یکدیگر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را یکی از مستقل ترین رژیمهای جهان بدانند! خمینی جنایتکار در سخنان اخیرش سعی نمود بحث را چنان سمت و سو دهد که گویا رژیم مزدور طی دهسال حاکمیت ننکینش وابسته نبوده و تازه که امر بازسازی طرح شده ممکنست سیاستهاش اتخاذ شود که منجر به وابستگی رژیم به امپریالیستها گردد، در صورتیکه این رژیم سرسپرده از بدو بقدرت رسیدنش همواره در جهت بازسازی نظام سرمایه داری وابسته ایران کوشیده و برای حفظ این نظام که از سلف خود، رژیم شاه خائن به امانت گرفته و در کوچکترین جزء آن، عنصر وابستگی نهفته خدمات بی شائبه ای انجام داده است. این امر آنقدر بدیهیست که حتی در برخی از روزنامه های

وامیدارد. دست یازیدن سردمداران رژیم مزدور جمهوری اسلامی منجمله خمینی جنایتکار به چنین شیوه های کهنه شده ای برای فریب توده های آگاه میهنمان، مدتهاست که کارائی خود را از دست داده و کوس رسوایی رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی در سرسپردگی بسا امپریالیستها سالهاست که به صدا درآمده است. بطوریکه اینک دیگر عقب مانده ترین توده هائیزنوای آنها شنیده اند.

این امر دیگر برای توده های زحمتکش ما به یک عادت تبدیل شده که هر زمان سردمداران رژیم "تند و تیز" به امپریالیستها می تازند و باز هم شعار نه شرقی و نه غربی خود را علم میکنند، بدانند که سردمداران رژیم در همان لحظه به توطئه برای تشدید وابستگی میهن تحت سلطه مان مشغولند. چرا که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از بدو بقدرت رسیدنش توسط امپریالیستها، همواره به سردادن شعارهای بسا اصطلاح ضدامپریالیستی پرداخته و بدینوسیله کوشیده بسا فریب توده هاضمن مستحکمتر کردن سلطه امپریالیستن به منافع کارگران و زحمتکشان یورشهای جدیدی را سازمان دهد.

اگر اینک خمینی جلاد در جوابیه خود به سردمداران مزدور رژیم جمهوری اسلامی، وابستگی را صرفا در محدوده "بازسازی" و ترمیم خرابیهای جنگ خلاصه میکند، این ترفند دیگری است که وی قصد

خود رژیم مزدور نیز گاه انعکاس یافته است که میتوان برای مثال به روزنامه کیهان اشاره نمود. این روزنامه جیره خوار در مرداد ماه در مقاله ای تحت عنوان "درباره سرمایه گذاری خارجی در ایران" در رابطه با وابستگی اقتصاد جامعه مان به امپریالیستها نوشت: "حال تکلیف ما چیست؟ با این چند کاریکارتوز سازی صنعت، یک صنعت نفت که تماما وابسته است و همینطور گاز و همینطور پتروشیمی و همینطور مس و حتی همینطور ذغال سنگ".

گذشته از دلائل درج مقاله مزبور در کیهان، مطالب گفته شده در آن اعتراف آشکاری است که نشان میدهد، سرپای نظام اقتصادی میهنمان به امپریالیستها وابسته است و این اعتراف که بعد از دهسال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بر میهنمان بیسان میشود، اوج وقاحت و بیشرمی مزدورانی همچون خمینی را نشان میدهد که عوامفریبانه بطور مضحک و خنده آور ادعای استقلال و "خودگردانی" داشته و در حالیکه از زمان بقدرت رسیدنش ادامه دهنده خدمات رژیم شاه مزدور به منافع امپریالیستها بوده از عدم وابستگی خود و حتی از مقابله و مبارزه اش بسا امپریالیستها دم میزنند. بواقع رژیم که همانند سلف تاجدارش نفت را به تاراج میدهد، رژیمی که همچون رژیم شاه خائن تمامی ذخائر کشور را در اختیار امپریالیستها و دول غارتگر

ارکان چریکهای فدائی خلق ایران

اسلامی اگرچه در شعار نوکری رژیم شاه را به امپریالیستها محکوم میکردند ولی پس از روی کار آمدن خودشان حداکثر کوشش را نمودند تا قراردادهای اسارتبار سابق با امپریالیستها نه تنها لغو نگردد بلکه گسترش یابد امری که جنبش توده ها و آگاهی و نفرتشان از امپریالیستها آنها را محدود میساخت نه خواست خودشان .

در هر صورت از همان فردای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی این رژیم در عمل قراردادهای مقامات ضد خلقی رژیم شاه را با امپریالیستها مختصرم شمرده و آنها را تداوم داد. بعنوان مثال میتوان از قراردادهای کارخانه پتروشیمی بندر شاهپور نام برد که توسط رژیم شاه خائن بنا امپریالیسم ژاپن بسته شده بود و جمهوری اسلامی نیز در جهت راه اندازی این کارخانه ، امپریالیستهای ژاپن را فرامیخواند تا از خوان یمش که این رژیم وابسته گسترانیده نشخوار نماید.

زحمتکشان آگاه ما دیگر به اعتبار دهسال عملکرد این رژیم هیچگونه توهمی نسبت به اراجیف سردمداران رژیم در رابطه با عدم وابستگی به امپریالیستها نداشته و ندارند. چرا که شواهد و دلائل این امر آنقدر عینی و واقعی است که حتی برخی از سردمداران رژیم برای عوامفریبی و در جهت کنترل

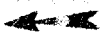
روی سلف تاجدارش را نیز سفید کرده است در نتیجه دریک کلام تا سلطه امپریالیسم در ایران برقرار است مگر میتوان از استقلال سخن گفت و این یک امر بدیهی است که ضرورت بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی توسط امپریالیستها بدلیل شرایط مبارزه طبقاتی در آن سالها درست برای تداوم چنین سیاستهای امپریالیستی بوده است . یعنی حفظ نظام سرمایه داری وابسته ، بازسازی و بسط حرکت در آوردن تمامی چرخهای تولیدی آن با توجه به بحران اقتصادی حاکم بر نظام و به تاراج دادن دارائیهای کشور در جهت تامین هرچه بیشتر منافع امپریالیستها و همچنین سرکوب و کشتار توده های به جان آمده و انقلابیون جان برکف .

واقعیت این است که وظیفه اساسی رژیم جمهوری اسلامی همواره حفظ و حراست از سلطه امپریالیستی و این نظام استثمارگرانه یعنی سرمایه داری وابسته بوده و میباشد.

عقد قراردادهای اسارتبار با شرکتها و کمپانی های امپریالیستی از همان فردای ۲۲ بهمن از جمله انعقاد قراردادهای اسارتبار با شرکت امپریالیستی تالبوت انگلستان و قرارداد طرح نیمه کازه پروژه پتروشیمی بندر شاهپور، خود بروشنی چهره کریه و وابسته جمهوری اسلامی را به امپریالیستها نشان میدهد و تازه در رابطه فوق این واقعیت را هم باید اضافه نمود که سردمداران مزدور جمهوری

قرار میدهند چه تفاوتی با وابستگان سابق میتواند داشته باشد. اگر شاه مزدور دروازه های بازارهای داخلی را به روی کالاهای امپریالیستها میگشود سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی نیز در این دهسال تا آنجا که بحران نظام سرمایه داری وابسته اجازه میداده است این وظیفه را بخوبی پیش برده اند و اخیرا در این رابطه حتی از زبان آهنی مزدور دیپلمات رژیم در پاریس فریاد هیستریک سر دادند که بازار ۵۰ میلیونی ایران ، بازار خوبی برای کالاهای امپریالیسم فرانسه میباشد. و یا اگر شاه جلاد به خرید سلاح و مهمات از کشورهای امپریالیستی میپرداخت ، رژیم جمهوری اسلامی نیز همان سیاست را پیش برده و با امپریالیستها و منجمله امریکا بنا همان شیطان بزرگ مورد ادعای جمهوری اسلامی قرار دادهای چندین میلیارد دلاری منعقد ساخته و اگر رژیم مزدور شاه به استثمار کارگران و زحمتکشان میپرداخت ، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نیز هر روزه به شدت استثمار کارگران را افزایش و زحمتکشان را به کار بیشتر و مزد کمتر مجبور میسازد. و خلاصه اگر رژیم شاه خائن برای تحکیم حاکمیت وابسته اش به کشتار توده های معترض ، انقلابیون و بخصوص کمونیستها میپرداخت ، رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی نیز در اینراه از هیچ جنایتی رویگردان نبوده و در این رابطه

ارگان چریکهای فدائیان خلق ایران



و مهار مبارزات ضدامپریالیستی کارگران و زحمتکشان میهنمان و فراخواندن توده ها به صبر و متانت در مقابل تشدید استثمار و وابستگی و تحمیل شرایط ظالمانه تحت حاکمیت رژیم خمینی مجبور گشته اند به آن اعتراف نمایند.

در همین رابطه بهزادنبوی طی سخنرانی که دو سال پیش در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران انجام داد عاجزانه به وابستگی اقتصادی رژیم به امپریالیستها اعتراف نمود و گفت: "در هیچ زمینه و محصولی نمیتوان گفت صدرصد عدم وابستگی کشاورزی وجود دارد، صنعت هم که ذاتا وابسته است، تاجر جنسش را باید از خارج بیاورد و خلاصه ما از گذشته اقتصاد وابسته ای را داشته ایم و این امانت را حفظ کرده ایم" (بهزادنبوی دهم دیماه ۷۵)

این مزدور در ابراز سخنان فوق، گذشته از اینکه قصد دارد نقش خود و همپالکیهایش را در حفظ و حراست در این نظام وابسته و بقول خودش، امانت به ارث رسیده از شاه را لاپوشانی کند، بخشا به واقعیت وابستگی سرمایه داری حاکم بر میهنمان به امپریالیستها اعتراف مینماید. ضمنا باید در نظر داشت که این سخنان در شرایطی بیان شده است که جمهوری اسلامی در تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق همواره با اربابان امپریالیستش به بستن قراردادهای اسارتبار خرید

سلاح میپرداخت و هرچه بیشتر بر دامنه این وابستگی میافزود. از عقد قراردادهای تسلیحاتی با دولت هلند و ایتالیا گرفته تا خرید سلاح از فرشته رحمت جمهوری اسلامی یعنی امریکای جنایتکار. تازه اگر به این قراردادها، خرید کالاهای غیر تسلیحاتی رژیم از امپریالیستها را نیز بیفزائیم ماهیت سراپاوابسته جمهوری اسلامی هرچه بیشتر آشکار میگردد. از خرید کالاهای امپریالیسم فرانسه گرفته تا عقد قرارداد با امپریالیسم آلمان، امپریالیسمی که هم اینک ۷۵٪ واردات جمهوری اسلامی را تامین مینماید و با قراردادهای اخیر کارخانه ایران خود رو با شرکت تالبوت انگلستان و مذاکره برای کشیدن خط لوله نفت به ترکیه امری که قرارداد ۴ میلیارد دلاری رژیم با شرکتهای امپریالیستی را به همراه دارد و با خرید گندم و برنج از امریکا و پاکستان و قرارداد ۵۰۰ میلیون دلاری رژیم با شرکت امریکایی بکتسل در رابطه با احداث کارخانه پتروشیمی در اراک، احداث یک نیروگاه گساز ۱۰ مگاواتی توسط شرکتهای سوئدی و خرید ماشین آلات صنعتی از امپریالیسم ژاپن و دهها نمونه دیگر نشانگر این واقعیت است که نه تنها وابستگی ایران به امپریالیستها از گذشته کمتر نشده بلکه هر روز بیش از پیش بر وابستگیش افزوده میگردد و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در این راه از تاراج دارائیهای

میهنمان هیچگونه ابائی نداشته و ندارد.

در چنین شرایطی است که امپریالیستهای ژاپن از گسترش هر چه بیشتر روابط با جمهوری اسلامی سخن به زبان می‌آورد و مقامات انگلستان در وزارت بازرگانی و صنایع این کشور، شرکتهای انگلیسی را تشویق به عقد قرارداد با جمهوری اسلامی میکنند و فرانسه به شرکتهای خود داد و ستد با جمهوری اسلامی را یاد آوری مینماید. و بالاخره ایران کیت ها و ملاقات مقامات شیطان بزرگ با رفسنجانی ها و خامنه ای ها رو میشود.

در این سالها امپریالیستها از برکت سگ زنجیریشان در ایران با به به و چه چه زدنهای بسیار دارائیهای میهنمان را به یغما برده و میبرند و در چنین اوضاعی وزیر کشور مزدور رژیم، محتشم فریاد بر می‌آورد که هیچ کشوری در جهان به اندازه ایران البته برای سرمایه های امپریالیستی امنیت ندارد و امپریالیستها را به گسترش سرمایه گذاریهایشان در میهن تحت سلطه مان فرامیخواند، درست بگونه ای که شاه روزی با اطلاق نام جزیره ثبات و امنیت به ایران چنان دعوتی را از امپریالیستهای غارتگر بعمل می‌آورد و از وجود نیروی کار ارزان در ایران به آنها بشارت میداد.

مفهوم تمامی سخنان سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی چیزی جز آماده کردن زمینه های



ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

و ارتش امپریالیستی ایران را هرچه بیشتر تجهیز نمایند برآستی که این شارلاتان بازیها تنها خاص سگهای زنجیری امپریالیسم منجمله خمینی مزدور میباشد.

آنچه در ورای تمامی سخنان فوق الذکر تعقیب میشود، این واقعیت است که آنها با زهم می‌خواهند بار بزرگ اقتصاد بحران زده خویشت را برگرداند زحمتکشان ماسرشن نمایند چه در آن زمانی که تمامی این نابسامانیهای جامعه را به حکومت شاه خائن ارجاع میدهند و چه آنزمانی که شرایط جنگی را بهانه می‌کردند و بارهزینه های جنگی را بردوش زحمتکشان سرشکن میکردند و چه حالا که بازسازی بعد از جنگ مطرح است. در واقع آنها همواره این سیاست ضد خلقی را دنبال میکنند. بدلیل نیست که خمینی جنایتکار چندی پیش طی ملاقات با عده ای از مزدوراناش گفت: هزینه های سرسام آور بازسازی و ترمیم خرابیهای جنگ هشت ساله ایران و عراق را با کمک توده ها تامین کنند و مردم باید دولت را در این زمینه همراهی کنند.

توده های زحمتکش ما باید با شناخت این واقعیات و مقابله با چنین شیوه هائی، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را در رسیدن به این اهداف ضد مردمی با شکست روبرو سازند. و بدانند که این قانون تمامی

هرچه بیشتری برای استثمار کارگران و زحمتکشان میهن ما نبوده و نیست و براین اساس است که سردمداران مزدور رژیم همواره توده های زحمتکش ما را به صبر و متانت در مقابل استثمار و حشیانه نظام سرمایه داری وابسته دعوت میکنند و از جمله اردبیلی جنایتکار به زحمتکشان مامی گوید بیشتر کار کنید و کمتر مزد بگیرید و کمتر توقع داشته باشید تا ما هرچه بیشتر بتوانیم با استثمار شما کارگران و زحمتکشان به سرانندوزی بی سر دارییم و جیب اربابانمان را بیشتر پر کنیم.

آنگاه خمینی جلاد با آگاهی کامل بر تمامی این واقعیات ها باز خود را به کوچه علی چپ میزند و در جوابیه خود به سردمداران جنایتکار رژیم از عدم وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیستها سخن میگوید و در عین حال میگوید: "با قبول و اجرای صلح این تصور نشود که ما از تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع تسلیحاتی بی نیاز شویم بلکه توسعه و تکامل صنایع و ابزار به قدرت دفاعی کشور از اهداف اصلی و اولیه بازسازی است" و بدینوسیله به سردمداران مزدور حالی میکند که میبایست همچنان به خرید ساز و برگ نظامی از کشورهای امپریالیستی ادامه دهند

جوامع طبقاتی منجمله نظام سرمایه داری وابسته ایران است که با مکیدن خون رنجبران و ستمدیدگان به زندگی زالوار خود ادامه میدهند.

نظام سرمایه داری وابسته ایران و رژیم حافظ آن جمهوری اسلامی تامین کنندگان منافع امپریالیستها در کشورمان میباشد و تا زمانی که این نظام و رژیم جمهوری اسلامی در میهنمان مستقرند فقر و گرسنگی برجاسته مان حاکم است و تا زمانی که این مناسبات استثمارگرانه بسر جامعه مان حکمفرماست هر دم به بیکاری و بدبختی زحمتکشان میافزاید و تا زمانی که نظام سرمایه داری وابسته حاکم است، جنگ و کشتار و آوارگی و در بدری، سرکوب و اختناق پابرجاست و تا زمانی که شما کارگران مبارز در اتحاد با دیگر اقشار زحمتکش شهر و روستا بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بعنوان حافظ این نظام فقر و فلاکت بیانخیزید و مبارزاتتان را گسترش ندهید این رژیم ددمنش هر دم به سرکوب و استثمار شما میافزاید.

بنابراین پایان دادن به تمامی این مصائب در گرو نابودی نظام سرمایه داری وابسته و رژیم حامی آن یعنی جمهوری اسلامی است و نابودی نظام استثمارگر و رژیم حافظ آن فقط در جریان یک جنگ توده ای و طولانی میسر است

مرکز بر جنگ امپریالیستی برقرار باد صلحی دمکراتیک

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

مختلف جهان به اشکال گوناگون استفاده مینمایند .

امپریالیستها و سرمایه داران وابسته به آنان برای مبارزه با سرسخت ترین دشمنان نظم ستمگرانه سرمایه داری یعنی کمونیستها نه تنها آنان را به وحشیانه ترین شکل ممکن مورد شکنجه قرار داده و به جوخه های اعدام می سپرند، بلکه در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز تلاش میکنند تا با قرار دادن چشم اندازهای کاذب و دروغین، افکار توده ها را از اندیشه های انقلابی مارکسیستی دور سازند . دشمنان طبقاتی خلقها چه از طریق علم کردن جریانات دست ساز خود و چه از طریق تقویت و به اصطلاح باد کردن آلترناتیوهای گوناگون که اساسا خواهان درهم ریختن نظم سرمایه نیستند و در بهترین حالت خواهان اصطلاحاتی برای آند سعی در حفظ و بقای هرچه بیشتر این نظم ظالمانه را دارند. در همین راستا امروزه و یا دست کم در دهه اخیر امپریالیستهای غارتگر که اساسا حیات زالووار خویش را مدیون چپاول و استثمار کشورهای و ملل تحت ستم میباشند ، آلترناتیوهای مذهبی را در خدمت مقاصدشوم خویش بکار گرفته و جلوس خمینی مرتجع بر اریکه قدرت خود نمونه ای از این سیاست امپریالیستی است.

استفاده فریبکارانه امپریالیستها از اعتقادات مذهبی توده ها تنها به کشور ما ختم نمیگردد، بلکه ما شاهدیم که در

و نیل به سوسیالیسم . بدون شك این روز دیر نیست و در مبارزه خلقهای قهرمان برعلیه امپریالیسم و سگ زنجیریش جمهوری اسلامی پیروزی از آن خلقهاست ، پس با تمامی توان و نیروی خویش در راه براندازی حاکمیت امپریالیسم در میهنمان و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر به پیش .



که باید با شرکت فعال شما کارگران به پیش رود و به کسب قدرت سیاسی و استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان در میهنمان بیانجامد. رهبری طبقه کارگرمامن پیروزی و به سرانجام رسیدن انقلاب رهائیبخش خلقهای ماست و جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر زمینه ای است برای نابودی تمامی مظالم سرمایه داری وابسته

در مورد لجن پراکنی های اخیر خامنه ای بر علیه کمونیست ها

از صفحه ۲۵

سلطه پرچمدار مبارزه قاطع انقلابی بر علیه نظم ظالمانه سرمایه داری و امپریالیستی ، همانا انقلابیونی کمونیست به عنوان بخش پیشتاز طبقه کارگر میباشد که بدون استثنای در همه جا هدف سبانه ترین حملات ددمنشانه عاملان و حافظان سلطه سرمایه و نظام استثمارگر ناشناختن این سلطه میباشد .

واقعیت این است که در ادوار مختلف تاریخی، همیشه این ستمگران و صاحبان ثروت و قدرت بوده اند که از اعتقادات مذهبی و خرافی توده های ناآگاه برای تحقق اهداف کثیف خود یعنی سوار شدن بر گرده آنها استفاده کرده اند و در مقطع کنونی نیز امپریالیستهای غارتگر و مزدوران آنان از این ابزار در نقاط

این مختصر ، پرونده سراسر سیاه و جنایت رژیم جمهوری اسلامی را بزرس کنیم و نشان دهیم که چگونه سردمداران رژیم علیرغم همه جنایاتشان فریبکارانه میکوشند چه در داخل کشور و چه در ورای مرزهای میهنمان، خود را نقطه اتکاء خلقهای تحت ستم و پرچمدار مبارزه آنان بر علیه امپریالیستها و رویزبونیستها معرفی نمایند، چرا که توده های تحت ستم ما بخوبی به پوشالی بودن ادعاهای جناب خامنه ای پی برده و پوچ بودن ادعاهای میان تهی رژیم جمهوری اسلامی را در با اصطلاح مبارزه با استکبار جهانی بخوبی درک کرده اند. اما باید تاکید کنیم که هم اکنون نیز برخلاف ادعای خامنه ای مزدور در تمامی کشورهای جهان و از جمله در کشورهای تحت





بسیاری از کشورهای تحت سلطه از امریکای لاتین گرفته تا افریقا و آسیا، مزدوران و قوای حافظ نظم امپریالیستی در کنار سرکوب و وحشیانه کمونیستها، احزاب و دستجات مرتجع و مزدوری را که در کسوت مسیحیت، اسلام، بودائی و غیره در خدمت این نظام منط میباشند را ساخته و برپا نموده اند. برای نمونه میتوان از اشک ریختنهای ریاکارانه پاپ ژان پل دوم برای ملت‌های گرسنه افریقا و سفرهای تبلیغاتی در این زمینه را در نظر گرفت و یا از ژستهای دروغین آزادیخواهی کیش دزمن توتودر افریقای جنوبی و یا بیانیه‌های کذائی خمینی مزدور و جنایتکار در مورد تصویر نمودن چشم اندازه‌های کاذب رهائی از شرباصطلاح مستکبرین و اقداماتی را که در این راستا انجام میدهند.

همچنانکه فوقاً اشاره نمودیم، خامنه‌ای فریبکارانه مدعی شده است از هنگامیکه جمهوری اسلامی تشکیل شده از گروه‌های با گرایش چپ دیگر خبر و اثری نیست اما اگر این ادعا واقعیت دارد پس برآستی وجود هزاران زندانی قهرمان و کمونیستی که در سیاهچالهای قرون وسطائی رژیم و بر روی تختهای شکنجه مقاومت کرده و میکنند نشاندهنده چیست؟ آیا بروشنی نمیتوان از اعترافات خامنه‌ای در مورد کمونیستها و وجود هزاران زندانی و اعدامی کمونیست و تداوم مبارزه و راه آنان به سادگی نتیجه گرفت که

بواقع کمونیستها یعنی پیشروترین مبارزین انقلابی‌ای که بر علیه نظم امپریالیستی موجود مبارزه میکنند هستند که اینچنین آماج حملات تبلیغاتی و سرکوبگرانه اخیر مزدوران امپریالیسم در میهنمان قرار گرفته اند؟ و آیا وجود هزاران زندانی کمونیست در سیاهچالهای جمهوری اسلامی و اعدام هزاران تن دیگر از آنان که هم اکنون نیز با شدت هرچه بیشتر ادامه مییابد برملا کننده چهره جنایتکار رژیم و دروغهای رسوای خامنه‌ای مزدور مبنی بر "بروز نداشتن" کمونیستها در امر مبارزه انقلابی نیست؟ و آیا دیگر لزومی هست که از مبارزه کمونیستها در دیگر کشورها مثال بیاوریم.

واقعیت این است شکاف و صف آرائی بین کمونیسم از یکسو و امپریالیسم از سوی دیگر چنان حاد

و برجسته است که سرمایه داران جهانخوار برای حفظ نظام گندیده شان قبل از هر چیز با تمام توان بر علیه کمونیسم و کمونیستها توطئه چینی میکنند. آنها امروز برای کوبیدن طبقه کارگر و نمایندگان فکری آنها بیش از گذشته با تمسک به مذهب به علم کردن آلترناتیوهای مذهبی دست ساز خود می‌پردازند. اما مبارزه کمونیستها نه تنها تداوم یافته و "بروز" دارد بلکه خود انعکاسی است از پیگیری و سرسختی پرولتاریا این طبقه تا به آخر انقلابی که رسالت نابودی نظام سرمایه داری را برعهده دارد، امری که با روشنی و برجستگی تمام باعث تمسک امپریالیسم به ارتجاعی‌ترین شیوه‌ها از جمله روی آوردن آن به مذهب جهت مقابله با کمونیسم گردیده و باز هم خواهد گردید.

نگاهی به اظهارات مدیر عامل صدا و سیمای رژیم ضد خلقی

از صفحه ۲۵

کشور صرف برپاشی و تقویت بلندگوهای درغیرد از رژیم ضد خلقی خواهد شد.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در حالی مبادرت به برپاشی یک ایستگاه رادیوئی پر قدرت در استان محروم کرمان میکند که صدها هزار تن از توده‌های زحمتکش این منطقه زیر بار فقر و بیکاری و شیوع اعتیاد در بدترین

شرایط بسر برده و جانشان به لب رسیده است و در صدها روستای این استان از ابتدائی ترین خدمات بهداشتی و درمانی و آموزش و غیره نیز خبری نیست، رژیم بنا به ماهیت ضد مردمی به جای تخصیص بودجه کشور در جهت نیازهای فوری و مبرم توده‌ها هر آنچه را هم که به دیگ ماشین جنگی و سرکوبش



ارگان چریکهای فدائی خلق ایران



نریخته است صرف تقویت دستگاه دروغپرداز تبلیغاتی خود میکند. با این حال هاشمی مزدور از عدم توجه کافی وزارت برنامه و بودجه و کمیسیون تخصیص ارز رژیم لب به شکوه و شکایت گشوده و مدعی است که این ارگانها در بعضی موارد بودجه تصویب شده برای سازمان صداوسیما را بیهوده و از زهدم و حتی صفر کاهش میدهند. و به این طریق هاشمی صدای اعتراض خود را از اینکه با دست بازتری نمیتواند بیهوده چپاول دلخواهش بپردازد را آشکار مینماید.

در هر صورت نق زدن هاشمی بیانگر بحران اقتصادی گریبانگیر رژیم و هرج و مرج در برنامه ریزی های آن بوده و نشان میدهد که چگونه رژیم در شرایط افلاس و ورشکستگی ناتوان از تامین بودجه های مصوبه خودش

همه چیز را صرف ماشین جنگ و سرکوب خود مینماید.

و از سوی دیگر در همین شرایط نیز دست از تقویت دستگاه تبلیغاتی خود برنداشته و سرمایه های هنگفتی را که حاصل عرق جبین کارگران و زحمتکشان میهنمان بوده و با از طریق حراج منافع نفتی کشور بدست میآید را صرف گسترش دامنه فعالیتهای عوامفریبانه و ارتجاعی دستگاههای تبلیغاتی خود مینماید. تبلیغاتی که از طریق صداوسیما هماهنگ با فعالیتهای سرکوبگرانه سگان زنجیری امپریالیسم را در جهت تظهير چهره این مزدوران و تخمیق توده ها صورت میگیرد.

اما بد نیست اشاره کنیم که منظور هاشمی سرپرست سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی از ایجاد یک شبکه برای خط دفاعی کشور از نظر امواج هانا برپائی است.

چندین ایستگاه فرستنده پر قدرت پارازیت بسوده که اساسا برای ممانعت و اختلال در پخش فرستنده های رادیویی متری و انقلابی میباشد. رژیم با صرف صدها میلیون تومان از منافع مالی کشور این دستگاههای پارازیت را برپا کرده و هر روزه بر تعداد آنها میافزاید تا بدینوسیله از رسیدن صدای سازمانهای سیاسی به مردم جلوگیری نماید. امری که خود بیان کننده برد تبلیغی و آگاهگرانه فعالیتهای این رادیوها در میان کارگران و اقشار زحمتکش جامعه میباشد. رادیوهایی که بعنوان یکی از وسائل تبلیغات مبارزاتی نقش قابل توجهی در افشای سیاستها و عملکردهای ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم ضد خلقی و رساندن صدای انقلابیون به توده ها داشته

اطلاعیه شماره ۲

از طرف جمعی از پناهندگان ایرانی (ترکیه) به کمیسرهای عالی سازمان

با آغاز جنگ امپریالیستی ایران و عراق که اساسا در چهارچوب مصالح جهانی و منطقه ای امپریالیسم سازمان یافته است و بر همین دلیل تاکنون تداوم داشته است، بدینوسیله رژیم مزدور خمینی فرصت یافته تا به بهانه این جنگ که جز کشتار جوانان و ویرانی و فلاکت اقتصادی حاصلی برای توده ها دربر نداشته سرکوب انقلاب و انقلابیون را با سرعت هرچه بیشتری دنبال نماید.

آری، رژیم که برای سرکوب خلقهای قهرمان ایران به هروسيله ای متوسل گردیده و حتی مجبور شده است که جنایتش را



بنمایش بگذارد تا شاید با ایجاد رعب و وحشت در دل توده ها چند صباحی بیشتر به زندگی ننگین خود ادامه دهد .

در چنین شرایطی ما شاهد خروج هزاران مبارز از سازمانها و توده های میهنمان از ایران هستیم . که بخاطر نجات جان خود از جهنمی که رژیم خمینی بوجود آورده است . مجبور به ترك خانه و کاشانه خود شده و به کشورهای پاکستان و ترکیه آمده و به دفاتر سازمان ملل این کشورها جهت گرفتن کمک و یاری مراجعه میکنند . و در این رابطه UN های پاکستان و ترکیه هیچگونه اقدام جدی برای خارج ساختن این پناهندگان به عمل نمی آورند و هستند پناهندگانی که بعد از ماهها بازجویی و محاکمه هنوز بلا تکلیف در این کشورها بسر میبرند .

ما پناهندگان باید متذکر شویم که در UN آنکارا با اقداماتی غیر انسانی و رفتار ناشایسته از سوی مقامات و ماموران حفاظتی با پناهندگان ایرانی مواجه هستیم . در این رابطه مشخصا مسئول دوم UN آقای استیفان و یکی از کمیسران آن سازمان آقای کوشه تل که قاعدتا باید وظیفه کمک و یاری رساندن و رفع مشکلات پناهندگان گامهای جدی بردارند . متاسفانه با نشان دادن رفتاری که در فوق متذکر شدیم . خصومت خود را نسبت به پناهندگان عملا و علنا ابراز نموده و حتی آقای استیفان با خوردن مشروبات الکلی بیش از اندازه در ساعات کار اداری به توهین و فحاشی و برخوردهای فیزیکی در مقابل دفاتر UN نسبت به پناهندگان اقدام میکند . بدینوسیله ما از تمام کمیسرهای سازمان ملل متحد ، بخصوص از مسئول UN آنکارا خواهان رسیدگی و پیگیری رفتار آقای استیفان که سمت معاونت مسئول سازمان همچنین آقای کوشه تل را هرچه سریعتر هستیم .

جمعی از پناهندگان ایرانی در ترکیه

۹ - ۶ - ۱۹۸۸

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق



مهاباد

* - به علت مقاومت مشمولین شهر مهاباد و عدم توجه آنان به تهدیدات جمهوری اسلامی که خواهان معرفی هر چه سریعتر مشمولین گشته بود، رژیم اخیرا با گستراندن تورهای شکار به دستگیری وسیع جوانان در سطح شهر مبادرت نموده است.

بوکان

* - علیرغم تبلیغات فریبکارانه جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه ازدانش آموزان شهریه گرفته نمیشود، اداره آموزش و پرورش بوکان اعلام نموده که با آغاز سال تحصیلی جدید حدود دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان از دانش آموزان اخذ کرده است.

سقز

* - در حالیکه دستمزد ماهانه کارگران شهرداری شهر سقز حدود ۲۷۰۰ تومان می باشد با این حال شهردار مزدور این شهر اعلام کرده است که حقوق کارگران شهرداری را کاهش خواهد داد.

* - شهردار مزدور سقز تحت عنوان "بازسازی" به تعمیرچندین ساختمان دولتی پرداخته و به این بهانه از توزیع مصالح مورد نیاز مردم در سطح شهر جلوگیری نموده است.

پیرانشهر

* - با مداد المهرماه مزدوران سپاه مستقر در پایگاه سرگروه پیرانشهر بسه روستای قروکه دولتو رفته و به بهانه اینکه اهالی، تحت پوشش دامداری به پیشمرگان یاری می رسانند، مناطقی را که روستائیان دامهای خود را برای چرا به آنجا می بردند را هدف رگبار قرار میدهند که بر اثر این اقدام وحشیانه زنی بنام خاتون، جان را خود را از دست میدهد.

مریوان

* - کارگران شهرداری مریوان در اعتراض

به عقب افتادن حقوق ماههای اردیبهشت، خرداد و تیر خود در ۵ مرداد ماه در مقابل شهرداری این شهر مبادرت به یک تجمع اعتراضی نمودند. شهردار مزدور مریوان در ابتدا با وعده و وعید کوشش کرد کارگران را فریب دهد ولی وقتیکه کارگران برای احقاق حقوق عقب افتاده شان پافشاری نمودند پاسداران را برای متفرق کردن کارگران فراخواند. ولی علیرغم همه این تشبثات بعلت مقاومت کارگران مجبور به پرداخت حقوق عقب افتاده آنها گردید.

سردشت

* - اخیرا مزدوران رژیم اهالی زحمتکش روستاهای شارکه و بصره در منطقه ربط را بدلیل مقاومت در مقابل سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی مورد ضرب و شتم قرار داده و تعدادی از روستائیان را دستگیر و زندانی نموده اند.

* - مزدوران و جاشهای خود فروخته در منطقه آلان سردشت در جهت تمکین جوانان به سیاستهای سربازگیری رژیم به ترفند جدیدی متوسل شدند. آنها اسامی مشمولین روستاهای بیتوش، سنجوه و دولکان را به اهالی روستاها اعلام نموده و تاکید کرده اند که در صورتیکه مشمولین خود را معرفی نمایند پس از پایان دوره آموزشی برای ادامه خدمت سربازی به روستاهایشان باز خواهند گشت.

* - اخیرا صدوهفتاد کارگر شرکت ساختمانی بهشت سردشت در جریان بازدید استاندار آذربایجان از این کارگاه ضمن اعتراض به عقب افتادن حقوقشان خواهان دریافت دستمزدهای خود شدند.

* - چندی پیش نیروهای سرکوبگر شهربانی سردشت با حمله به بساط دستفروشان کلیه چرخهای دستی این زحمتکشان را بازور و اجبار جمع آوری نموده و به منطقه غیر مسکونی ای واقع در خارج از شهر که هیچگونه ترددی در آنجا صورت نمیگیرد منتقل نمودند. این اقدام وحشیانه به دنبال ابلاغیه فرماندار مزدور این شهر صورت گرفت.



روز شمار:

- ۷/۶ / تشکیل اولین کنگره
- انترناسیونال اول (۱۸۶۲)
- ۷/۹ / پیروزی انقلاب چین (۱۹۴۹)
- ۱۲۰۰/۷/۱۱ / شهادت کلنل محمدتقی خان پسیان

- ۶۰/۷/۱۲ / شهادت رفیق سیامک اسدیان (اسکندر) از رهبران سچفا
- ۷/۱۴ / شهادت انقلابی کبیر ارستوچه گوارا ۱۹۶۷

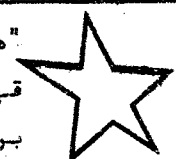
- ۵۰/۷/۱۷ / شهادت رفقا همایون کتیراش، بهرام طاهرزاده، هوشنگ تره گل، ناصرمدنی و ناصر کریمی
- از گروه آرمان خلق

- ۶۰/۷/۲۰ / ۱۲۲۸ / تشکیل جبهه ملی ایران توسط دکتر مصدق
- ۷/۲۲ / آغاز مبارزه مسلحانه در یمن جنوبی

- ۵۸/۷/۲۳ / کشتار هیادان بندرانزلی
- ۱۲۸۷/۷/۲۴ / تشکیل نخستین گروه سوسیال دمکرات در تبریز

- ۱۲۲۲/۷/۲۹ / رسمیت یافتن موافقتنامه (ساعد- دری قوس) و تجدید سازمان ژاندارمری توسط افسران امریکاش

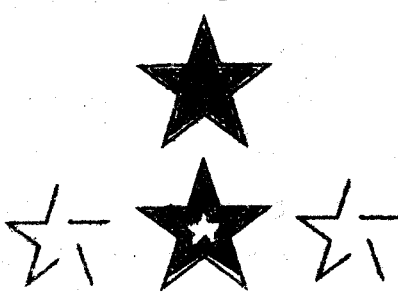
"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"
(ما فوتسه دون)



شهادای مهر ماه

چریکهای فدائی خلق ایران

رقبا:	نام	تاریخ	نام	تاریخ
مهرنوش ابرهیمی	احمد اسلامی	۵۰/۷/۹	۶۰/۷/۲۰	
منوچهر بهاشی پور	طاهره قاسمی	۵۰/۷/۹	۶۰/۷/۲۰	
چنگیز قبادی	محمد امین ترابی	۵۰/۷/۱۰	۶۰/۷/۲۰	
محمد علی سالمی	محمود خدادادزاده	۵۰/۷/۱۰	۶۰/۷/۲۰	
سیدنوزادی	فاطمه رخ بین	۵۰/۷/۱۰	۶۰/۷/۲۰	
محمدرضا همتی	فتح اله فرید	۵۲/۷/۲	۶۰/۷/۲۰	
پروین فاطمی	ناصر مرادی	۵۴/۷/۸	۶۰/۷/۲۰	
فرشید فرجاد	حسن بشیری	۵۴/۷/۲۴	۶۰/۷/۲۰	
پری	عباس مکاری	۵۴/۷/۲۴	۶۰/۷/۲۲	
علی دبیری فرد	غلامحسین زینی وند	۵۴/۷/۲۰	۶۰/۷/۲۹	
رحیم خدادادی	اسماعیل باقری	۵۵/۷/۶	۶۰/۷/۲۹	
غلامرضا سالاری	حمید باقری	۶۰/۷/۵	۶۰/۷/۱۲	
مهناز نجاری	خسرو دانش ایران مبارکه	۶۰/۷/۱۹	۶۰/۷/۱۲	
مریم دانش ایران مبارکه	سروش نیکخواه	۶۰/۷/۱۹	۶۱/۷/۲۷	
فرشید راجی	سید علی اصغر کاسبانه	۶۰/۷/۱۹	۶۱/۷/۲۷	
مهوش جوکار	اکبر ناصری	۶۰/۷/۲۱	۶۱/۷/۲۷	
کرامت قبادی	حسین احمدی	۶۰/۷/۹	۶۱/۷/۲۷	
محمدسعید خراس	محسن میرفصیحی	۶۰/۷/۱۴	۶۰/۷/۱۴	
عارف بلوکی	زاهد سجادی کیلانه ای (کاک جلال)	۶۰/۷/۱۴	۷/۱۲	



هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

ایورتونیزم و مسئله تمرکز در نیروهای سرکوب رژیم

در ۱۲ خردادماه خمینی مزدور با تکراری و غیره ضروری "رامپها نماید" صدور حکمی رقتجانی را به جانشینی "فرماندهی کل قوا" منصوب نمود و از او مسئولیت شکستهای "فادر" و "علمچه" توسط خواست تا در "تمامی زمینها" بمن سرکرده جنایتکار سپاه پاسداران یعنی نیروهای مسلح رژیم "هماهنگی کامل" مضمون رضائی در پشت تلویزیون و تریگرهای برقرار نموده و با ایجاد يك "ستاد گاه و بیگاه سپاه و ارتش ضد خلقی که در فرماندهی کل" زمینه "وحدت کامل" سپاه و این برمواردی حتی به برخوردهای ارتش و "حذف یا انقاع سازمانها و تشکیلات

در صفحه ۱۱

"آرامش و منیت" برای جمهوری اسلامی "خودمختاری" برای حزب دمکرات

بیش از ۹ سال است که خلق رزمنده کرد برای کسب حق تعیین سرنوشت خود سلاح بست گرفته و برعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می جنگد و تاکنون نیز به قیمت خون هزاران شهید ارزنده توانسته است ضربات بس بزرگی به دشمن جنایتکار خلقهای ما وارد سازد. دشمنی که با سازمان دادن فجایعی همچون نوروز خونین سندج، کفتار دهقانان روستاهای قارنا و ایندرفاقان و با بسته آتش کشیدن روستاها، کوچاندن اجساری روستائیان از خانه و کاشانه خویش و ترور و شکنجه و اعدام مبارزین و همچنین با توسل به شیوههای ارتجاعی و ضد خلقی دیگر همواره کوشیده است تا جنبش عادلانه خلق کرد و نبرد مسلحانه پیغمبران قهرمانی را نابود سازد، ولی علیرغم تمامی این تلافیهای مذبحخانه و علیرغم ضرباتی که به این طریق به جنبش قهرمانانه خلق کرد وارد شده این جنبش همچنان تداوم یافته و اقدامات ضد خلقی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی نتوانسته است در اراده خلق رزمنده کردستان خللی وارد سازد بلکه عزم آنها برای مبارزه تا پیروزی هر روز را سختتر می گردد. بر این اساس "مسئله کردستان" کماکان یکی از معضلات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، هرچند که در سالهای اخیر به تدریج تمام مناطق آزاد شده کردستان از دست پیغمبران خلق کرد خارج شده و رژیم نیز به همین امر در صفحه ۱۸

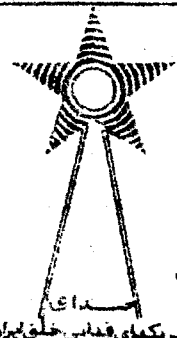
خاطره رفیق چه گوارا



را در بیست و یکمین سالگرد شهادتش گرامی داشته و ایمان داریم که مشعل سرخ مبارزه مسلحانه بعنوان تنها راه رهایی از قید سلطه امپریالیسم که از یکی از پرافروزدگان آن بود تا پیروزی قطعی بر امپریالیسم و سرمایه داری همچنان فروزان و سرکش خواهد ماند.

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید



ساعات پیش :
۹ شب و
۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد
ردیف ۷۵ متر
چریکهای فدایی خلق ایران

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی های زیر مکاتبه کنید:

انگلستان فرانسه
F. S
B. P - 181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE
BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!